

۳ افق

تنش در تنگه

درگیری‌های پراکنده در خلیج فارس

۴ کانه

مرد تنها

یدالله موقن درگذشت

۶ توسعه

چانه‌زنی در شرایط جنگی

درخواست برای برکناری پورمحمدی

۷ کوچه

۲ خداحافظی با اینترنت آزاد؟

مهندسی دسترسی با مجوز شعام

## آزادی مدنی

سعید مدنی، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه  
پس از چهار سال حبس آزاد شد

۲ سیاست



یادداشت روز

## مرزهای دفاع مشروع

چگونه قدرت موشکی، دیپلماسی و قواعد مسئولیت بین‌المللی سرنوشت جنگ را تعیین می‌کنند؟



سید محمود علیزاده طباطبایی

عضو شورای مرکزی و معاون حقوقی دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران

در تاریخ ۹ اسفند، آمریکا با حمله گسترده علیه ایران رسماً تسلیم بدون قید و شرط ایران را به‌عنوان هدف تجاوز خود اعلام کرد و آمریکا برای توجیه عمل خود به مفهوم «دفاع مشروع بازدارنده» متوسل شد. آمریکا با نقض مقررات منشور ملل متحد به استفاده از زور متوسل شده و اقدام آمریکا، کلیه مختصات یک اقدام متجاوزانه را دربردارد. ایران در مقابل این تجاوز مسلحانه فوراً و به‌طور طبیعی برای اجرای دفاع مشروع مرزی خود طبق ماده ۵۱ منشور ملل متحد، عکس‌العمل نشان داد.

برحسب ماده ۵۱ منشور ملل متحد، «تا زمانی که شورای امنیت، اقدامات لازم را برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به‌عمل آورد»، دفاع مشروع، قانونی و موجه است. شورای امنیت با اهمال در انجام مسئولیت خود، اساس قانونی برای تعقیب عملیات نظامی از طرف ایران را ایجاد کرد. مجمع عمومی سازمان ملل «تهاجم یا حمله به یک کشور از سوی نیروهای مسلح کشور دیگر» را عملی متجاوزانه می‌داند و عکس‌العمل نیروهای مسلح ایران، دفاع مشروع تلقی می‌شود. دفاع مشروع تا امحاء کلیه امکانات و وسایل جنگی دولت متجاوز و مجازات مسئولان تجاوز، می‌تواند دنبال شود. در جنگ جهانی دوم، متفقین با استناد به دفاع مشروع تا تسلیم بی‌شرط دولت متجاوز نازی به‌مفهوم دفاع مشروع استناد کردند. دفاع مشروع در آن واحد عملی برای حفظ خود و اقدامی برای مجازات متجاوز جامعه بین‌المللی است. در سال ۱۹۷۴ قطعنامه مجمع عمومی ملل متحد هرگونه جنگ تجاوزکارانه را «جرم علیه صلح بین‌المللی» دانسته و منشور ملل متحد در فصل هفتم خود، مجازات‌هایی را علیه دولت متجاوز پیش‌بینی کرده است و جرم علیه صلح و امنیت بین‌المللی متوجه مقامات دولت متجاوز می‌شود و در این رابطه مسئولیت جزایی دولتمردان آمریکا و اسرائیل محرز است و تا زمانی که شورای امنیت، تضمین لازم را برای صلح و امنیت بین‌المللی فراهم نکند و تکلیف پرداخت غرامت‌های جنگی روشن نشود، ایران از نظر مقررات بین‌المللی می‌تواند با استفاده از حق دفاع مشروع به تیبیه متجاوز ادامه دهد.

ایران با تمام ظرفیت‌های دیپلماتیک خود کوشید به شورای امنیت متوسل شود اما متأسفانه شورای امنیت نه‌تنها قطعنامه‌ای صادر نکرد حتی در صدور بیانیه هم اهمال کرد و چین و روسیه هم که هم‌پیمان استراتژیک ایران هستند، با سکوت معنادار خود، زمینه را برای ادامه تجاوز آماده کردند.

ایس واقعیت تلخ جهان امروز است که قواعد حقوقی و سازوکارهای بین‌المللی حافظ صلح نیست و امنیت کاربردی ندارد و قدرت نظامی، سیاسی و اجتماعی ایران، به‌خصوص تلفیق فرهنگ شهادت‌طلبانه شیعی و ناسیونالیسم ایرانی، آمریکا و متحدش اسرائیل را مجبور کرده به واقعیت موجود تسلیم شوند و اهداف خود را از تسلیم بدون قید و شرط با فشار افکار عمومی آمریکا، تنزل داده و رئیس‌جمهور آمریکا رسماً اعلام کرده، مردم آمریکا دوست دارند به خانه بازگردیم.

ادامه در صفحه ۲

## عبور از جنگ

سازندگی به بررسی سخنان **مسعود پزشکیان**، مبنی بر اینکه «درگیری و جنگ به‌نفع هیچ‌کس نیست» و «عبور از میدان جنگ، به‌منزله پایان مسیر نیست، بلکه آغاز مرحله مهم جهاد اکبر است» پرداخته است. مخاطب رئیس‌جمهور کیست و دولت و جامعه چه نقشی باید در این جهاد داشته باشند؟



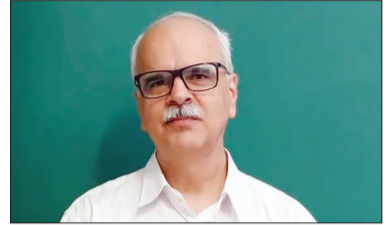
**گروه سیاسی:** در واپسین ساعت‌های آتش‌بس شکننده ایران و آمریکا، که روز چهارشنبه به پایان می‌رسد، مسعود پزشکیان با حضور در ساختمان وزارت دادگستری تلاش کرد، سخنانی متفاوت از آنچه این روزها درباره جنگ و آتش‌بس و ادامه جنگ گفته می‌شود، بیان و تصویری متفاوت از آنچه در روزهای قبل، چه در میدان و چه در خیابان گذشته، ترسیم کند. او نه از ادامه جنگ سخن گفت و نه از باز یا بسته ماندن تنگه هرمز، سخنش چگونگی ادامه زندگی در ایران پس از جنگ بود. پزشکیان از ابتدای ریاست‌جمهوری خود، چندین‌بار تأکید کرده بود که باید با آمریکا مذاکره کنیم و دو بار اقدام به این کار کرد اما در هر دو بار مذاکرات به نتیجه نرسید و به جنگ منتهی شد. سخن امروز او اما نه درباره جنگ که درباره بعد از جنگ است. رئیس‌جمهور معتقد است: «در عین ایستادگی در برابر ظلم و زیاده‌خواهی باید توجه داشت که ادامه درگیری و جنگ به‌نفع هیچ‌کس نیست؛ نه برای ما، نه برای طرف مقابل و نه برای آینده منطقه و نسل‌های پیش‌رو. هر میزان که بتوان مسائل را با منطق و در فضایی آرام مدیریت کرد به‌نفع همگان خواهد بود.»

ادامه در صفحه ۸

قضای

آزادی مدنی

سعید مدنی، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه  
پس از چهار سال حبس آزاد شد



**گروه سیاسی:** سعید مدنی آزاد شد؛ خبری دلگرم کننده در میان خیل اخبار جنگ و آتش‌سوزی و مذاکره. این خبر را ویکلش، مصطفی نیلی، روز گذشته اعلام کرد و گفت که «حکم چهار ساله موکلش به‌طور کامل اجرا شده و او از زندان دماوند خارج شده است». و حالا این جامعه‌شناس می‌تواند دوباره طعم آزادی را بچشد؛ آزادی‌ای که در سال‌های گذشته بارها از او گرفته و دوباره به او بازگردانده شده است. نام سعید مدنی بیش از هر چیز با پژوهش‌های اجتماعی و در عین حال با پرونده‌های قضایی گره خورده است. او در حوزه‌هایی مانند اعتیاد، فقر، نابرابری و خشونت اجتماعی کار کرده و همین تمرکز بر مسائل حساس باعث شده که هم در فضای علمی شناخته شود و هم در عرصه عمومی و سیاسی مورد توجه قرار گیرد.

نخستین بازداشت مدنی به اسفند ۱۳۷۸ بازمی‌گردد؛ زمانی که همراه با برخی اعضای جریان ملی - مذهبی بازداشت و پس از تحمل ۵ ماه حبس در سلول انفرادی و بعدتر حدود ۷ ماه حبس به قید وثیقه ۲۰۰ میلیون تومانی آزاد شد. این بازداشت، آغاز مسیری بود که در سال‌های بعد نیز ادامه پیدا کرد. ۱۷ دی ۱۳۹۰ مدنی دوباره و این بار در خیابان بازداشت شد. در این پرونده، اتهاماتی مانند ارتباط با برخی نهادها و شبکه‌های اجتماعی - سیاسی به او وارد شد. در نهایت، دادگاه او را به ۵ سال حبس و ۲ سال تبعید محکوم کرد که باید بخشی از آن را در زندان بندرعباس سپری می‌کرد. پاییز ۱۳۹۶ دوره محکومیت مدنی به پایان رسید و به تهران بازگشت.

اما جدیدترین و مهم‌ترین پرونده او مربوط به بازداشت در ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۱ است. در این پرونده، مدنی با اتهاماتی از جمله «تشکیل و اداره گروه‌های معاند» و «تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی ایران» مواجه شد. دادگاه بدوی در دی ۱۴۰۱ او را در مجموع به ۹ سال زندان و تبعید محکوم کرد که ۸ سال از این حکم قابل اجرا بود. این حکم در بهمن همان سال در دادگاه تجدیدنظر نیز تأیید شد. به گفته بهزادی‌راد وکیلش در آن مقطع، انتقال مدنی باید بر اساس حکم تبعید از محلی که محل جرم یا زندگی‌اش بوده، صورت می‌گرفت یا به درخواست خود او برای انتقال به نزدیک‌ترین محل سکونت‌شان انجام می‌شد اما مدنی درخواست انتقال و یا حکم تبعید نداد. او ابتدا مدتی را در بند امنیتی ۲۰۹ زندان اوین گذراند و بعد به بند عمومی منتقل شد. فروردین ۱۴۰۳ خبر آمد که او را از اوین به زندان دماوند منتقل کرده‌اند؛ اقدامی که به گفته وکیلش بدون درخواست خود او و بدون صدور حکم تبعید انجام شده بود. به همین دلیل، برخی فعالان و زندانیان سیاسی نسبت به این انتقال انتقاد کردند و آن را خلاف رویه‌های معمول دانستند. در بهمن ۱۴۰۱ فیاض زاهد، فعال سیاسی اصلاح‌طلب، در واکنش به حکم او نوشت: «جای سعید مدنی زندان نیست» و تأکید کرد که کشور به دانش و تخصص او در حوزه مسائل اجتماعی نیاز دارد. همچنین در مقاطع مختلف، جمعی از دانشگاهیان و پژوهشگران با انتشار بیانیه‌هایی خواستار آزادی او شدند و نسبت به پیامدهای محدود شدن پژوهشگران مستقل هشدار دادند.

۲۷ فروردین ۱۴۰۴ مصطفی نیلی، وکیل مدنی، در شبکه اجتماعی «ایکس» از کاهش مدت حبس او از ۸ سال به ۴ سال خبر داد و نوشت که پس از پذیرش اعاده دادرسی در دیوان عالی کشور، شعبه هم‌عرض حکم مربوط به اتهام «تشکیل گروه» را کاهش داده است. و حالا با پایان این دوره و آزادی از زندان دماوند، مدنی، دوباره فرصتی تازه برای بازگشت به حوزه پژوهش و تحلیل مسائل اجتماعی پیدا کرده است؛ حوزه‌ای که همچنان به صداها و نگاه‌های کارشناسی نیاز دارد.

# جدال دوروایت

## اختلاف نظرها درباره چگونگی مذاکره ادامه دارد؛ عقب‌نشینی یا ابزار مدیریت بحران؟



عاطفه شمس

گروه سیاسی

همزمان با ادامه مذاکرات و تحرکات دیپلماتیک، شکاف‌های داخلی تا حد زیادی دوباره رنگ گرفته و از بیابانه‌ها و سخنان تند علیه مذاکره و هشدار به تیم مذاکره‌کننده تا دفاع از انسجام ملی و ضرورت حمایت از تیم دیپلماتیسی، می‌توان به‌نوعی آن را جدال دو روایت از قدرت ملی دانست. میان این دو نیز افکار عمومی در فضایی از پیام‌های متناقض، رسانه‌های پرترش و شعارهای خیابانی قرار گرفته است.

### بازگشت سایه تردید

یکی از ماجراهای جالب توجه در روزهای اخیر بیانیه جمعی از نمایندگان طیف پایداری مجلس است با حدود ۴۲ امضا که در آن نسبت به روند مذاکرات در پاکستان و احتمال آغاز دور جدید گفت‌وگوها هشدار داده شده است. در این متن با تأکید بر «بدعهدی طرف مقابل» و لزوم تحقق پیش‌شرطها، ادامه مذاکرات در شرایط فعلی «غیرقابل قبول» توصیف شده است. این بیانیه همان‌قدر که برای حامیان، هشدار راهبردی تلقی

شد برای منتقدانش نشانه‌ای از ایجاد تشتت در پیام واحد سیاست خارجی بود. حتی این پرسش هم در فضای رسانه‌ای مطرح شد که چه جریان‌هایی پشت تشدید این مواضع قرار دارند. در کنار این بیانیه، فضای خیابانی و تجمعات شبانه نیز به بخشی از این معادله تبدیل شد و شعارهایی که در برخی تجمعات شنیده شد از مخالفت صریح با مذاکره تا حمله به چهره‌های سیاسی، فضا را پیچیده‌تر کرد. در این میان چهره‌هایی مثل میثم نبلی، برادر داماد ابراهیم رئیسی و مدیر مسئول رجویوز با ادبیاتی تند نسبت به مفهوم مذاکره موضع گرفتند و تأکید کردند که «موضوعاتی مانند هسته‌ای، موشکی و تنگه هرمز ابزار معامله نیستند». او حتی در بخشی از مواضع خود، مذاکره را در تضاد با «ارزش‌های بنیادین انقلاب» توصیف کرد. نگاه او، بازتاب جریان فکری‌ای است که مذاکره را به جای ابزار مدیریت بحران، تهدیدی برای دستاوردهای راهبردی کشور می‌داند.

### دیپلماتی به‌عنوان امتداد میدان

در سوی دیگر، جریان حامی مذاکره تلاش کرده، تصویر متفاوتی ارائه دهد. محمود واعظی، رئیس دفتر رئیس‌جمهور دولت دوازدهم با تأکید بر اینکه دور نخست مذاکرات را نمی‌توان شکست‌خورده

### ادامه یادداشت روز

## مرزهای دفاع مشروع

لذا آمریکا طرح ۱۵ ماده‌ای را به شرح زیر پیشنهاد داده است:

- ۱- رفع تمام تحریم‌ها علیه ایران
- ۲- کمک آمریکا در پیشبرد و توسعه پروژه هسته‌ای غیرنظامی (تولید برق)
- ۳- رفع تهدید بازگشت تحریم‌ها
- ۴- توقف برنامه هسته‌ای ایران تحت چارچوب مشخص
- ۵- اورانیوم غنی‌شده تحت نظارت و محدودیت‌های توافق‌شده باقی بماند
- ۶- برنامه موشکی در مرحله بعدی بررسی شود، با محدودیت در کمیت و برد
- ۷- استفاده از برنامه هسته‌ای محدود به اهداف غیرنظامی
- ۸- توقف توسعه قابلیت‌های هسته‌ای
- ۹- توقف توان غنی‌سازی
- ۱۰- توقف تولید مواد هسته‌ای با درجه تسلیحاتی در خاک ایران
- ۱۱- تمام مواد غنی‌شده طبق جدول زمانی توافق‌شده به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تحویل شود
- ۱۲- نظارت، اصفهان و فردو از چرخه استفاده خارج شوند
- ۱۳- مکانیسم‌های نظارت و راستی‌آزمایی بین‌المللی اجرا شود
- ۱۴- اجرای تدریجی برنامه‌ها منوط به رعایت توافقات باشد
- ۱۵- تفاهات منطقه‌ای و امنیتی اضافی بین طرفین برقرار شود.

در مقابل ایران، پیشنهاد ۱۰ ماده‌ای را برای پایان جنگ مطرح کرده است. ایران اعتمادی به تعهدات دولت آمریکا ندارد لذا هر تصمیم مشترک و توافق باید توسط یک مرجع بین‌المللی مثل شورای

دانست، گفت که «آگام‌های اساسی برداشته شده و مسیر عقلانیت دیپلماتیک آغاز شده است». از نگاه او، مذاکره نه عقب‌نشینی بلکه تبدیل دستاوردهای میدانی به توافق پایدار است. علی ربیعی دستیار اجتماعی رئیس‌جمهور هم با لحنی هشدارآمیز نسبت به فضای تند سیاسی نوشت که «اعتبارزدایی از تصمیم‌گیران خطر بزرگی است» و تأکید کرد، حفظ وحدت در این مقطع از هر رقابت سیاسی مهم‌تر است. در همین چارچوب برخی تحلیلگران مانند عمادالدین باقی، پژوهشگر حوزه حقوق بشر، هشدار داده‌اند که اگر انسجام اجتماعی به محور «ایران و منافع ملی» محدود نشود و به رقابت‌های ایدئولوژیک کشیده شود پس از پایان بحران‌ها احتمال بروز تنش‌های داخلی افزایش می‌یابد.



### بدبینی یا واقع‌گرایی؟

در مقابل، چهره‌هایی مانند فواد ایزدی، تحلیلگر مسائل بین‌الملل با رویکردی کاملاً متفاوت، مذاکره را در این مقطع «اشتباه راهبردی» می‌دانند. او تأکید کرده که تجربه گذشته نشان داده، طرف مقابل از مذاکرات برای «بازسازی توان خود» استفاده می‌کند بنابراین باید با نگاه سخت‌گیرانه‌تری به دیپلماتی نگریست. این دو نگاه، دیپلماتی به‌عنوان فرصت یا تهدید، در سال‌های اخیر بارها در سیاست ایران تکرار شده اما آنچه این بار متفاوت است، همزمانی آن با فضای امنیتی و منطقه‌ای پرترش است. محمد مهاجری، فعال رسانه‌ای اصولگرا اما در تحلیل این وضعیت، یک نکته کلیدی را برجسته می‌کند: همه مخالفان مذاکره یکسان نیستند. او مخالفان را به گروه‌های مختلفی تقسیم می‌کند: از منتقدان دائمی گرفته تا جریان‌های ایدئولوژیک و رقابت‌های سیاسی. از نگاه او، مشکل اصلی زمانی شکل می‌گیرد که اختلاف‌نظر به «حمله به ساختار تصمیم‌گیری» تبدیل شود نه نقد سیاست. نکته قابل توجه دیگر در این میان موضع‌گیری رسانه‌های اصولگراست. روزنامه کیهان که تا پیش از این نسبت به نتایج مذاکرات رویکردی هشدارآمیز داشت و هرگونه مذاکره را

امتیاز دادن به دشمن تلقی می‌کرد، با چرخشی قابل‌توجه در ستون «کیهان و خوانندگان» خود، دیپلماتی را هم‌سنگ و هم‌ردیف جنگ قرار داد و با بیان اینکه «دیپلماتی هم نوعی جنگ است» مذاکره را ادامه میدان نبرد دانست و آن را ابزاری برای اعمال فشار متقابل تحلیل کرد.

روزنامه اصولگرای جوان هم با انتقاد به نحوه استناد برخی به سخنان رهبر شهید انقلاب نوشت: «سوء ظن به مذاکره‌کنندگان، شخصی کردن جهت‌گیری‌های آنان، مرگ‌خواهی یا اسطوره کردن آنان، رهبری را منفعل و بی‌اطلاع و محل رجوع ندانستن، شاخص سطحی‌گرایی و غلبه احساسات است. این روند که یک جمله یا گزاره مثلاً از رهبری شهید را در دست بگیریم و همه چیز را با آن بسنجیم، ضعف در جامع‌نگری است. مثلاً رهبر شهید مذاکره را شرافتمندانه ندانستند. اما دو بار بعد از همین عبارت مذاکره کردیم چراکه فضا استخوانی نیست بلکه غضروفی و شطرنجی است. یعنی هر آن ممکن است، مهرها توسط طرف‌ها جابه‌جا شود و آرایش جدید لازم است. مذاکره بعد از جنگ با مذاکره در برجام (از ترس جنگ) فرق کرده است؛ این باید تبیین شود». در کنار این رسانه‌ها، روزنامه جمهوری اسلامی هم هشدار داد که تدریجی‌ها و شعارهای خیابانی می‌تواند، جامعه را به سمت تفرقه ببرد و تأکید

کرد که تصمیم درباره صلح و جنگ باید در چارچوب ساختارهای رسمی باشد. روزنامه شرق هم بیشتر بر خطر «تضعیف دیپلماتی از درون» تمرکز کرده و نقش جریان‌های افراطی در محدود کردن فضای مذاکره را برجسته می‌داند.

### انسجام یا چندصدایی کنترل‌نشده؟

در میان همه این اختلاف‌ها اما ضرورت انسجام ملی به‌عنوان یک مسئله مشترک تکرار می‌شود. حتی مخالفان مذاکره هم تأکید دارند که تصمیم نهایی باید در چارچوب نظام و رهبری اتخاذ شود. حامیان مذاکره هم همین نکته را از زاویه‌ای دیگر مطرح می‌کنند: بدون هماهنگی داخلی هیچ دیپلماتی‌ای موفق نخواهد بود. در این میان اشاره‌های مکرر به رهبری به‌عنوان محور تصمیم‌گیری، نشان می‌دهد که هر دو جریان تلاش می‌کنند، خود را در چارچوب کلان نظام تعریف کنند حتی اگر در تاکتیک‌ها اختلاف داشته باشند. آنچه اهمیت دارد، توان مدیریت این تفاوت‌ها در قالب یک صدای واحد ملی است؛ صدایی که بتواند هم در خیابان شنیده شود، هم در مجلس و هم پشت میز مذاکره و شاید چالش اصلی امروز سیاست ایران دقیقاً همین باشد که چگونه از دل اختلاف، انسجام ساخته شود بدون اینکه هیچ‌یک از صداها حذف شوند.

مقاومت به نظر می‌رسد، می‌تواند به راه‌حل‌های منطقی رسید همان‌طور که حشدالشعبی در ارتش عراق ادغام شده و هر نوع توافق و تفاهم با ارتش و دولت عراق مبنای قانونی دارد، در مورد حزب‌الله هم می‌توان به چنین توافقی دست یافت به‌خصوص که با حضور حزب‌الله در مجلس و دولت لبنان، حزب‌الله بخشی از دولت قانونی لبنان خواهد بود.

نظام حقوقی تنگه هرمز به وضعیت قبل از جنگ برنخواهد گشت. تجربه جنگ ایران و عراق بیانگر این واقعیت است که جنگ به هر جهت پایمان می‌یابد و جنگ نمی‌تواند منجر به پیروزی مطلق یا شکست مطلق یکی از طرفین شود. در جنگ ایران و عراق ۳۰ تیر ۱۳۶۶ که ما جزایر مجنون، شلمچه و فاو را در اختیار داشتیم، بعضی از مقامات نظامی با تصور تصرف بصره، مانع مذاکرات ایران و عراق به‌منظور اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت شدند اما یک‌سال بعد که ما فاو، جزیره مجنون و شلمچه را از دست داده بودیم، مجبور به پذیرش قطعنامه شدیم. امروز نیز مصلحت نظام جمهوری اسلامی در مذاکره و پایان دادن به این تجاوز جنایتکارانه است به شرطی که شورای امنیت سازمان ملل به‌عنوان تضمین‌ترک مخاصمه، اقدام به صدور قطعنامه کند و در قطعنامه شورای امنیت، آمریکا و رژیم صهیونیستی به‌عنوان متجاوز، مسئول جبران خسارت شوند.

امروز ما در موضع برابر با آمریکا قرار داریم و باید از این موقعیت به‌نحو مطلوب بهره‌برداری کنیم. توافق امروز برای پایان جنگ، توافق در موقعیت مناسب است. لازم به ذکر است، قطعنامه شورای امنیت نیز از نظر مقامات آمریکایی قابل نقض است همان‌طور که قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت در مورد برجام را نقض کردند لذا ما باید قدرت خود در کنترل تنگه هرمز را به‌عنوان تضمین صلح و امنیت حفظ کنیم.

# راست افراطی در اورشلیم

## اسرائیل و آرژانتین پیمان اسحاق را امضا کردند



با اشاره به مواضع میلی در حمایت از جنگ‌های اخیر علیه غزه و لبنان گفت: «تحت رهبری شما، آرژانتین با وضوح اخلاقی سخن گفته است».

یکی از نکات برجسته این دیدار، اعلام اعطای جایزه ویژه به میلی برای «روشن کردن مشعل روز استقلال» اسرائیل بود. نتایج تأیید کرد که این اولین بار در ۷۸ سال تاریخ اسرائیل است که این افتخار به یک رهبر خارجی داده می‌شود.

دو طرف از برقراری پروازهای مستقیم میان تل‌آویو و بوئنوس آیرس خبر دادند. این پروازها توسط شرکت هواپیمایی «العال» (EI AI) و با زمان سفر حدود ۱۶ ساعت از نوامبر ۲۰۲۶ (آبان ۱۴۰۵) آغاز خواهد شد. نتایج این اقدام را عامل «تزدیکی بیشتر مردم» دو کشور توصیف کرد.

در این دیدار، نتایج و میلی بار دیگر به اتهام‌زنی‌های تکراری علیه ایران پرداختند. نتایج مدعی شد: «مبارزه با ایران تمام نشده و هر لحظه ممکن است، تحولات جدیدی رخ دهد». در بیانیه مشترک منتشر شده، ادعا شده که پیمان‌های اسحاق برای هماهنگی در برابر «تلاش‌های ایران برای گسترش شبکه‌های تروریستی و حضور عملیاتی در سراسر نیمکره غربی» طراحی شده است.

**گروه بین‌المللی:** «بنیامین نتانیاهو»، نخست‌وزیر اسرائیل، از «خاویر میلی»، رئیس‌جمهور آرژانتین، در بیت‌المقدس استقبال کرد. این سومین سفر میلی به سرزمین‌های اشغالی در دو سال اخیر محسوب می‌شود. دیدار روز گذشته در حالی انجام شد که تنش‌ها میان اسرائیل و ایران همچنان در سطح بالایی قرار دارد و مذاکرات جدیدی میان آمریکا و ایران در پاکستان در پیش است.

میلی که خود را یک حامی سرسخت اسرائیل معرفی می‌کند، سفر خود را با حضور در «دیوار ندبه» (از مکان‌های به اصطلاح مقدس یهودیان در بیت‌المقدس شرقی آغاز کرد.

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این دیدار، امضای سندی تحت‌عنوان «پیمان‌های اسحاق» (Isaac Accords) بود. این عنوان با الهام از «پیمان‌های ابراهیم» (Abraham Accords) که پیش‌تر با کشورهای عربی امضا شده بود، انتخاب شده است. هدف از این پیمان، گسترش روابط اسرائیل با کشورهای آمریکای لاتین و تقویت همکاری‌ها در زمینه‌های امنیتی، هوش مصنوعی، فناوری و مبارزه با تروریسم عنوان شده است. نتایج در این دیدار از میلی به‌عنوان «دوست شخصی» و «رهبر بزرگ اقتصادی و جهانی» یاد کرد. نخست‌وزیر اسرائیل

دیپلماسی

در جزایر فالکلند (مالویناس) به تعویق افتاده بود اما به‌نظر می‌رسد در این دیدار بر سر آن توافق شده است. دیدار روز گذشته نتایج و میلی نشان‌دهنده، تعمیق روابط راهبردی میان تل‌آویو و بوئنوس آیرس تحت ریاست‌جمهوری میلی است. آرژانتین که تحت‌تأثیر سیاست‌های جدید خود، مواضع هماهنگ‌تری با ایالات متحده و اسرائیل اتخاذ کرده است، نقشی فعال در حمایت از اقدامات نتانیاهو در منطقه ایفا می‌کند. امضای پیمان‌های اسحاق و اعلام برقراری پروازهای مستقیم، گام‌های عملی در جهت تحکیم این ائتلاف هستند، در حالی که اظهارات ضدایرانی دو طرف، نشان‌دهنده ادامه رویکرد خصمانه علیه جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا و آمریکای لاتین است.

آمریکای لاتین

## تنش در تنگه

### دو روز مانده به پایان آتش‌بس در حالی که چشم‌ها به اسلام‌آباد است، درگیری‌های پراکنده‌ای در خلیج فارس رخ داد



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

تلاش‌ها برای برگزاری نشست میان ایران و آمریکا در اسلام‌آباد همچنان ادامه دارد. وزیر کشور پاکستان روز دوشنبه در دیداری با «رضا امیری‌مقدم» سفیر جمهوری اسلامی ایران در اسلام‌آباد بر اهمیت راه‌حل‌های پایدار از طریق گفت‌وگو و دیپلماسی برای کاهش تنش‌های منطقه‌ای تأکید کرده است. در این دیدار که با حضور مقامات بلندپایه انتظامی از جمله پلیس پایتخت پاکستان برگزار شد، طرفین در مورد تحولات منطقه‌ای به‌ویژه موضوع دور دوم مذاکرات ایران و آمریکا رایزنی کردند. مقامات پاکستانی همچنین اعلام کرده‌اند که اقدامات لازم برای مدیریت و تسهیل هرگونه روند دیپلماتیک احتمالی در آینده در حال انجام است و اسلام‌آباد همچنان به سیاست حمایت از گفت‌وگو و کاهش تنش‌ها پایبند است.

این تحرکات در شرایطی صورت می‌گیرد که سخنگوی وزارت امور خارجه ایران در نشست خبری با اشاره به نقض آتش‌بس توسط طرف آمریکایی در جریان حمله به کشتی ایرانی، اعلام کرد: تهران برنامه‌ای برای حضور در دور دوم مذاکرات با آمریکا در اسلام‌آباد ندارد. سخنگوی وزارت خارجه ایران همچنین در پاسخ به سوال ایسنا در ارتباط با اخبار منتشر شده در رسانه‌ها در مورد ارائه طرح جدید از سوی آمریکایی‌ها و انتقال آن از سوی فرمانده ارتش پاکستان به تهران همچنین طرح جدید ۱۵ بندی از سوی ایران به آمریکا گفت: بعد از اینکه آمریکایی‌ها یک طرح ۱۵ بندی را ارائه کردند، ما نیز پیشنهاد خود را در ۱۰ بند ارائه کردیم. وی با بیان اینکه در جریان مذاکرات اسلام‌آباد در مورد این طرح‌ها صحبت کردیم و مورد بررسی قرار گرفت، خاطرنشان کرد: طبیعی است که در روند مذاکراتی نقطه‌نظر از سوی طرفین بیان می‌شود و طرفین به یکدیگر پیشنهاداتی را ارائه می‌کنند. بنابراین اینکه ما از کلمه پیشنهاد «جدید» استفاده کنیم، دقیق نیست.

این مقام وزارت امور خارجه تأکید کرد: پس‌رخلاف طرف مقابل مواضع ما روشن است. طرف مقابل دائم خواسته‌های خود را عوض می‌کند اما مواضع و دیدگاه‌های ما در روند مذاکرات ثابت است و ما دقیقاً می‌دانیم چه می‌خواهیم و از ابتدا گفته‌ام چه مواردی برای ما قابل پذیرش نیستند و اصرار از سوی طرف مقابل در مورد آنها باعث تغییر مواضع ما نمی‌شود. سخنگوی وزارت خارجه ادامه داد: مسائلی که در مورد جزئیات پیشنهادها در رسانه‌ها مطرح می‌شود،



قابل تأیید نیست و گمانه‌زنی رسانه‌ای است. بقیه همچنین گفت:

بررسی ما در مورد طرح پیشنهادی آمریکا که در جریان سفر فرمانده ارتش پاکستان به ایران به تهران منتقل شد، در حال بررسی است. ما نمی‌توانیم فراموش کنیم که آمریکا در دو نوبت، در کمتر از ۹ ماه در حین مذاکرات به دیپلماسی خیانت کرد، حقوق بین‌الملل را به شدت‌ترین وجه ممکن نقض کرد، به کبان ایران هجوم آورد و تعداد زیادی از بزرگان ما و شهروندان ایرانی را به شهادت رساند و به دارایی‌های ایران آسیب وارد کرد. بنابراین حتماً همه اجزای ایران با تمام وجود، هوشیارانه هر روندی را دنبال می‌کنند. ما در روندهای دیپلماتیک نیز به همان اندازه و شاید بیشتر-واقعا شاید بیشتر از زمان جنگ- باید مراقب دسیسه‌های دشمن باشیم و این به نظر من، وظیفه عاقلانه تیم مذاکراتی و کل مجموعه حاکمیت است.

این تحولات در حالی است که تنش‌ها در خلیج‌فارس بین ایران و آمریکا افزایش یافته است. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا خبر داد، ناوشکن یواس اس اسپروانگس، کشتی باری توسکا را هدف قرار داده‌اند و با تخریب اتاق مهندسی کشتی (موتورخانه) این کشتی را از کار انداخته‌اند سپس نظامیان آمریکا روی این کشتی پیاده شده و توقیف کرده‌اند. ترامپ مدعی شده این کشتی تحت تحریم‌های آمریکا در حال نادیده گرفتن محاصره دریایی ایران بوده که هدف قرار گرفته است. در ادامه نیز موضوع توسط قرارگاه خاتم‌الانبیا و وزارت امورخارجه کشورمان تأیید شد. در همین راستا ابراهیم ذوالفقاری، سخنگوی قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا(ص) عنوان کرد: پس از تجاوز آشکار تکاوران تروریست آمریکا به کشتی تجاری ایرانی در آب‌های دریای عمان، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران آماده برخورد قاطع با نیروهای متجاوز آمریکایی بودند؛ لکن به دلیل حضور برخی از خانواده‌های کارکنان کشتی یاد شده برای حفظ جان و امنیت آنها که هر لحظه در خطر بودند با محدودیت روبه‌رو شدند. وی گفت: پس از حصول اطمینان از حفظ جان خانواده‌ها و کارکنان کشتی مورد تجاوز آمریکا، نیروهای مسلح مقتدر ایران اسلامی، اقدام لازم علیه

ارتش تروریست آمریکا را انجام خواهند داد. تنش‌ها بین تهران و واشنگتن در حالی افزایش می‌یابد که آمریکا از هفته گذشته محاصره دریایی علیه ایران را در تنگه هرمز به حالت اجرایی درآورده است. موضوعی که اثر مستقیم و حساسی روی مذاکرات طرف‌ها خواهد گذاشت. از دید ایران در چنین وضعیتی و با توجه به کارشکنی‌های آمریکا، رفتن به میز مذاکره منطقی نیست. در همین حال عاصم منیر، فرمانده ارتش پاکستان به دونالد ترامپ اطلاع داده که محاصره دریایی بنادر ایران ممانعی برای مذاکرات است. خبرگزاری رویترز به نقل از یک منبع پاکستانی گزارش داد که فرمانده ارتش پاکستان به دونالد ترامپ گفته که محاصره دریایی بنادر ایران، مانعی برای مذاکرات است و ترامپ پذیرفت که این موضوع را بررسی کند؛ موضوعی که ترامپ آن را تکذیب کرد و گفت چنین توصیه‌ای مطرح نشده است.

همزمان رسانه‌های بین‌المللی از جمله الجزیره خبر می‌دهند که مذاکرات ایران و آمریکا در روز چهارشنبه در اسلام‌آباد برگزار خواهد شد و هنوز وضعیت اعزام هیأت ایرانی به این جلسه مشخص نیست اما به‌نظر می‌رسد، محمدباقر قالیباف و سعیدعباس عراقچی در یک‌سو و در تیم هیأت آمریکایی به سرپرستی جی‌دی ونس معاون ترامپ، افرادی چون جرد کوشنر و استیو بیتکاف نیز حضور داشته باشند. این مذاکرات حساس در واپسین روزها و دقیقاً پایان مهلت دو هفته‌ای، آتش‌بس صورت می‌گیرد که چهارشنبه به پایان خواهد رسید. ترامپ به پیش‌تر ایران را به نقض آتش‌بس متهم کرده بود، می‌گوید ما یک معامله بسیار منصفانه و منطقی پیشنهاد می‌دهیم و امیدوارم ایران آن را بپذیرد اما تهران می‌گوید زیر بار معامله دیکته شده نمی‌رود. سسی‌ان‌ان به نقل از مقامات آمریکا نوشت: احتمالاً چهارشنبه اعلامیه مشترکی برای تمدید آتش‌بس منتشر شود. با این حال هیچ چیز هنوز قطعی به‌نظر نمی‌رسد. باید دید طرف‌ها در روز آخر به دستاوردی در مذاکرات خواهند رسید یا به تقابل نظامی ادامه خواهند داد.

## بازگشت به بازار جهانی انرژی!

### ادعای رئیس‌جمهور موقت ونزولا

«دلسی رودریگز» رئیس‌جمهور موقت ونزولا در حالی که این کشور کنترل منابع نفتی خود را به آمریکا واگذار کرده است، بیان کرد: «امروز ونزولا دوباره با قدرت خود و با نقش خود در بازار جهانی انرژی در حال ظهور است».

رودریگز در گفت‌وگو با کانال ۸ تلویزیون رسمی ونزولا بیان کرد: «ما به عرصه بین‌المللی بازگشته‌ایم. صدها شرکت به سرمایه‌گذاری در کشور تمایل نشان داده‌اند».

«دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا در ۳ ژانویه اقدام به حمله نظامی به ونزولا و ربایش «نیکولاس مادورو» رئیس‌جمهور این کشور و انتقال او به نیویورک برای محاکمه به اتهام هدایت کارتل‌های قاچاق مواد مخدر کرد.

از آن پس، دلسی رودریگز که پیوندهای خوبی با صنایع نفتی ونزولا داشته و کاخ سفید معتقد است فعالیت او در راستای اهداف راهبردی واشنگتن است،

عهددار سمت ریاست‌جمهوری موقت ونزولا شد. واشنگتن مجموعه‌ای اقدامات از جمله توقیف نفتکش‌ها و قراردادهای نفتی و کنترل درآمدهای نفتی را برای تسلط بر منابع نفتی ونزولا انجام داد.

دولت ترامپ اعلام کرد که قراردادی به ارزش حدود ۳ میلیارد دلار برای فروش نفت ونزولا منعقد شده است. طبق گزارش‌ها، عواید حاصل از فروش نفت ونزولا باید

به حساب‌های تحت کنترل وزارت خزانه‌داری آمریکا واریز شود. اظهارات رودریگز درباره بازگشت ونزولا به بازارهای انرژی در حالی مطرح شده است که جنگ غیرقانونی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران که منجر به بسته شدن تنگه هرمز شده، شوک بی‌سابقه‌ای به بازارهای جهانی انرژی وارد کرد و قیمت سوخت را افزایش داده است. در این میان

رئیس‌جمهور آمریکا چه در محافل عمومی و چه خصوصی مدعی شده است که نفت ونزولا می‌تواند به برطرف کردن شوک‌های ناشی از جنگ ایران کمک کند.

اگرچه اظهارات او تأثیر آتی بر قیمت سوخت و وضعیت بازارهای مالی و انرژی داشته و نشان می‌دهد، کاخ سفید ترامپ برای بازگرداندن ثبات به بازارها پس از بروز پیامدهای جنگ علیه ایران مسیر پرچالی پیش‌رو دارد.



## شاعر حکیم

### اول اردیبهشت روز بزرگداشت سعدی است

اول اردیبهشت هر سال، روز سعدی است که در نظم و نثر، زبانزد و عطر و رنگ کلامش سحرآمیز و حکایت‌هایش کوتاه و جان‌افزا و شعرهایش حاوی نکات پندآموز است.

شیخ مصلح‌الدین سعدی، بی‌تردید بزرگ‌ترین شاعری است که بعد از فردوسی، آسمان ادب فارسی را با نور خیره‌کننده‌اش روشن ساخت و آن روشنی با چنان تالوئی همراه بود که هنوز پس از گذشت ۷ قرن تمام از تأثیر آن کاسته نشده است و این اثر تا پارسی برجاست هم‌چنان برقرار خواهد ماند. سعدی شاعر دوران کهن نیست، او شاعری فرزانه برای همه ایرانیان است که در دیگر نقاط جهان هم طرفدار دارد. جهان معاصر بیش از همیشه به سعدی و اندیشه‌های حکمی، عرفانی و اخلاقی او نیاز دارد و امروز جهان در برابر خود ظلم و وحشیانه‌ای را می‌بیند که ستمگران صهیونیست هر روز، هر ساعت و هر دقیقه مرتکب آن می‌شوند؛ زنان و کودکان بی‌گناه را می‌کشند و بر این کشته‌ها آواز شادی سر می‌زنند. کمتر شاعری چون سعدی روایت‌گر و نوازش‌گر زمان خویش است. شعر سعدی در میان ما زنده است. علت آن اضافه بر حلاوت و طراوتی که در زبان این استاد سخن است، شاید به‌خاطر این هم باشد که زمانه ما تفاوت چندانی با دوره سعدی پیدا نکرده است.

مهم‌ترین آثار سعدی که به شیخ اجل مشهور است، «گلستان» و «بوستان» هستند، «بوستان» قبل از «گلستان» در کارگاه ذهن خلاق شاعر اصیل ایرانی پرورده و به جهانیان عرضه شد، ساختار «بوستان»، براساس نظم شکل گرفته و توسط علاقه‌مندان به آثار منظوم، به بهره‌برداری رسید اما در «گلستان»، نظم و نثر مسجع در کنار یکدیگر آمده‌اند تا توانمندی سراینده و طبع بلند او را به رخ بکشند، تاریخ ادبیات می‌گوید که حدوداً در فاصله زمانی یک‌سال بعد از «بوستان»، اثر ماندگار «گلستان» خلق و ارائه شد، سلاست و فصاحت زبانی و نظم و نثر بدون نقص حتی یک مورد تا اندازه‌ای است که شگفتی و توجه مخاطب موشکاف ادبیات را برانگیخته می‌کند. سعدی را در کنار همه ویژگی‌های فردی، هویتی و اخلاقی‌اش می‌توان شاعر سفرهای خیال‌انگیز، توأم با حکمت و عبرت نامید، جاذبه کلمات او در روایت‌هایش تا جایی است که خواننده را وادی به وادی و سرزمین به سرزمین و دالان به دالان با خودش همراه می‌کند. سعدی با خاتمه دوران تحصیلی‌اش، بار سفر را می‌بندد و به شهرها و کشورهای نظیر: مراکش، شام و... می‌رود و در هرکدام این سفرها که با اتراف و مشاهدات منحصر به‌فرد همراه است، قلم را بر کاغذ به حرکت درمی‌آورد که به آفرینش خاطراتی درخشان منجر می‌شود. او در کنار سیر و سفر و عمیق شدن در طبیعت و معماری، آداب و آئین ممالک و مردم سرزمین‌ها، خاطرات خواندنی و شیرینی نوشت که مشخصاً در بوستان گردآوری و منظوم گردید و همان مقطع، با استقبال خوبی مواجه شد. در بوستان، با همه نکته‌های آموزه بخش و سرسبزی‌اش، ردپایی از «نثر» نمی‌بینیم. این اثر فاخر که یکی از افتخارات ما ایرانیان در حوزه ادب فارسی به‌شمار می‌آید، حدوداً ۴۰۰۰ بیت را در خود جا داده و قالب آنها نیز «مثنوی» است؛ قالب شناخته‌شده شعر فارسی که ویژگی مهمش ساختار داستانی و روایتی است و دست سراینده را در بیان حکایت‌ها و داستان‌ها باز می‌گذارد. سعدی با تبحر کلامی و اصولاً جهان‌بینی وسیعی که در زمانه خود به‌دست آورده، به زمینه‌هایی چون: حیات طبیعت انسانی، خدامداری، اخلاق، تهنید، عرفان و سیاست ورود می‌کند و الحاق و الانصاف با دستی پر بازمی‌گردد، حرف‌هایش نغز و در عین حال از سختگی و پختگی لازم برخوردار است، از عشق می‌گوید و شکرگزاری آفریدگار یکتا، تواضع و عدل را تبیین و تبلیغ می‌کند و توأمان، لحنی مناجات‌گونه در پیشگاه خداوند دارد... از جمله تفاوت‌های «گلستان» و «بوستان» شاید تغییر لحن سعدی در سخن گفتن با مخاطب و توجه‌دادن خواننده به زندگی و موضوعات پیرامونی‌اش باشد، گلستان او، سفرنامه و ترجیع تاریخی و لحن نصیحت‌آمیز ندارد اما در بوستان احساس می‌کنیم یک «تذکره‌نویسی» صورت پذیرفته که البته زیر پوست آن گزارشی از وضعیت اجتماعی و فرهنگی مردم داده شده است.



# مرد تنها

## یدالله موقن مترجم برجسته آثار فلسفی درگذشت

یدالله موقن، مترجم آثار ارنست کاسیرر و یکی از مهم‌ترین جریان‌های فلسفی قرن بیستم، یک‌شنبه ۳۰ فروردین در بیمارستان حاجتیه اصفهان در ۷۷ سالگی درگذشت. هدایت موقن، برادر این مترجم در گفت‌وگو با ایبنا گفت: «برادرم که مدتی درگیر بیماری سرطان بود پیش از ظهر یک‌شنبه درگذشت.» یدالله موقن که متولد ۲۵ اردیبهشت ۱۳۲۷ در اصفهان بود، دو سال در دانشکده علوم دانشگاه اصفهان به تحصیل در رشته فیزیک پرداخت و پس از آن به انگلستان رفت و از دانشگاه هال (Hull) در رشته فیزیک نظری لیسانس گرفت. سپس به دانشگاه لیدز (Leeds) رفت و در رشته تاریخ و فلسفه علم فوق‌لیسانس گرفت. پس از به ایران بازگشت و در گروه فلسفه دانشگاه اصفهان مشغول تدریس شد، اما هم‌زمان با انقلاب فرهنگی استخدام او هم به حالت تعلیق درآمد. موقن چند اثر از ارنست کاسیرر، فیلسوف بزرگ نوکاتی آلمانی را ترجمه کرده و در واقع باید او را معرفی‌کننده کاسیرر در ایران دانست.

### مترجم کاسیرر

ارنست کاسیرر (زاده ۲۸ ژوئیه ۱۸۷۴ - درگذشته ۱۳ آوریل ۱۹۴۵) فیلسوف نوکاتی آلمانی و تاریخ‌نگار فلسفه غرب بود. او از شاگردان گئورگ زیمل و هرمان کوهن و استاد فیلسوفانی چون لئو اشتراوس و هانری کرین بود. کاسیرر در بریسلاو آلمان متولد شد. در ۱۸۹۲ هنگامی که ۱۸ سال داشت، وارد دانشگاه برلین شد. در آنجا به درخواست پدر به تحصیل حقوق پرداخت ولی پس از چندی آن را رها کرد و فلسفه و ادبیات آلمانی خواند. سال ۱۹۸۴ در کلاس درس کانت گئورگ زیمل حاضر شد، جایی که او با نوشتارهای کوهن درباره کانت آشنا شد. از آن پس به دانشگاه

### گزارش: سینمای جهان

# جهان در دست ابرثروتمندان

## حرف‌های صریح ویلم دفو در باره سقوط یک عصر

ویلم دفو، یکی از موفق‌ترین و پرکارترین بازیگران هالیوود طی دو دهه اخیر بوده است. او در مجموعه‌ای از فیلم‌های موفق و بهترین‌انگیز با کارگردانان سرشناس و مطرح، ایفای نقش کرده و گویی این روند موفقیت‌آمیز هنوز و در ۷۰ سالگی به خط پایان نزدیک نشده است. دفو در آخرین گفت‌وگویی که به بهانه اکران فیلم تازه‌اش انجام داده، درباره مسائل مختلفی از جمله افول هالیوود و همچنین دونالد ترامپ و جنگ ایران صحبت کرده است. گفت‌وگویی این بازیگر مطرح را می‌خوانید:

ویلم دفو که فیلم «میزبان» را در جشنواره فیلم بارسلونا ارائه می‌کند، درباره حرفه‌اش، گذشته‌اش، قدرت و پنهان‌ترین و ناشناخته‌ترین فیلم‌های گمشده‌اش صحبت می‌کند. او به‌یاد می‌آورد که قبلاً هم به بارسلونا آمده است و می‌گوید: «یکی، دو بار». کمی در صندلی‌اش صاف می‌نشیند و ادامه می‌دهد: «اما تشخیص شهر برابم سخت شده است. حس می‌کنم بارسلونایی که می‌شناختم، حالا فرق کرده. نتیجه گردشگری احتمالاً همین است». ساده پاسخ می‌دهد.

یک بازیگر نزدیک به ۵۰ سال سابقه که نقشی را ایفا می‌کند که وسواس میراث وراثت دارد، چقدر نگران میراث خودش است؟

قبل از اینکه خودم را بازیگر بدانم، خودم را تماشاگر می‌دانم. مدام فیلم می‌بینم، فیلم‌های کلاسیک، و به اولین چیزی که به محض نشستن فکر می‌کنم، این است: «همه این آدم‌ها مردداند». صادقانه می‌گویم و این تواضع تصنعی نیست اما این موضوع اصلاً برایم مهم نیست. واقعاً من بیش از حد، درگیر کاری هستم که انجام می‌دهم، و به‌طرز عجیبی، شاید به همین دلیل است که این کار را می‌کنم. همچنین اگر شروع کنی به فکر کردن درباره این چیزها، مثل این است که از قبل، مراسم تشییع جنازه خودت را برگزار کرده باشی. میراث برای چه کسی است؟ اصلاً چه فایده‌ای دارد که چیزی برای کسی به‌جا بگذاری؟ من ترجیح می‌دهم چنین مسئولیتی نداشته باشم. من وقت تلف کردن برای این چیزها را ندارم.

«دروازه بهشت» پایان دوران «هالیوود نو» را رقم زد. آیا می‌توان گفت که صنعت فیلم امروز هم در حال تجربه پایان یک دوران دیگر است؟

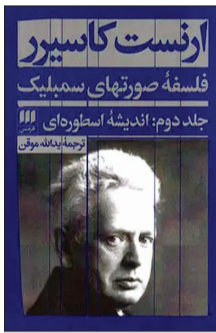
خب، برای اینکه همه مسئولیت را متوجه خودم نکنم، قبل از آن‌هم کارهای کوچک‌تری انجام داده بودم. اما بله، واضح است که صنعت سینما همان‌طور که ما می‌شناختم، در حال طی کردن یک فرآیند تغییر است. تجربه سینما رفتن، در حال از بین رفتن است و جای خود

لایزینگ و سپس هایدلبرگ رفت، ولی دوباره به دانشگاه برلین بازگشت. کاسیرر از آن پس به دانشگاه ماریبورگ رفت -جایی که بلندآوازه‌ترین نوکاتی قرن نوزدهم- تدریس می‌کرد و از ۱۸۹۶ تا ۱۸۹۹ زیر نظر کوهن به تکمیل رساله دکترای خود درباره تحلیل دکارت از دانش علمی ریاضی و طبیعی پرداخت. «اسطوره دولت»، «فلسفه روشنگری»، «فلسفه صورت‌های سمبلیک» و «فرد و کیهان در فلسفه رنسانس» از جمله آثار شاخص ارنست کاسیرر هستند که با ترجمه یدالله موقن منتشر شده‌اند.

مجموعه سه جلدی «فلسفه صورت‌های سمبلیک» که عده‌ای آن را بزرگ‌ترین اثر کاسیرر می‌دانند، کاسیرر در آن تمام منابع یادگیری گسترده خود را در مورد زبان و اسطوره، دین، هنر، علم و فعالیت‌ها و ساخت‌های نمادین خلافت‌های مختلفی که انسان از طریق آن‌ها خود را ابراز کرده و شکل عینی قابل فهمی به این تجربه داده است، در آن جای داده است. سه جلد این مجموعه به تنهایی (به‌جز سایر مقالات و کتاب‌های کاسیرر) سهم برجسته‌ای در معرفت‌شناسی و قدرت انتزاع انسانی دارند. «فلسفه صورت‌های سمبلیک» یکی از نقاط عطف فلسفه قرن بیستم است. با اقتباس از آثار تأثیرگذار ویلهلم دیلتای، نوکاتیانیسم را به فلسفه جدیدی از فرهنگ تبدیل کرد.

جلد دوم، در مورد تفکر اسطوره‌ای، لایه‌های اساسی را تحلیل می‌کند. ادراک و بیان و نیز ارتباط با دین و دیالکتیک با سایر اشکال، اساساً زبان و هنر. وسعت فکری این کتاب قابل توجه است. شروع بحث با مارتین هایدگر و مدیته‌شن طولانی‌مدت هانس بلومبرگ است. ما تازه شروع به درک اهمیت آن برای درک خود از قدرت تصاویر در ساخت زیبایی‌شناسی، خود و جهان سیاسی-اجتماعی کرده‌ایم. این کتاب بحثی را در جامعه‌شناسی فرانسوی آغاز می‌کند (امیل دورکیم، مارسل ماوس) که در نهایت در پیر بوردیو دوباره مطرح می‌شود، و این امروزه به‌عنوان مسیری پر محتوا برای نظریه فرهنگی و انتقادی در نظر گرفته می‌شود (دروسلا کورنل و کنت ام. پانلیو). در نهایت، این جلد همچنین زمینه‌های محکمی را برای نقد سیاسی نازیسم ارائه می‌کند -به‌ویژه: اسطوره قرن بیستم آلفرد روزنبرگ و آدولف هیتلر- و همچنین ایدئولوژی‌های توتالیتر در حال ظهور جدید. «فرد و کیهان در فلسفه رنسانس» کاسیرریکی از مهم‌ترین آثار تفسیری درباره اندیشه فلسفی رنسانس است و مدت‌هاست که به‌عنوان یک اثر کلاسیک در حوزه خود تلقی می‌شود. ارنست کاسیرر در این کتاب تغییرات ایجاد شده در مراحل اولیه رنسانس را بررسی می‌کند و وابستگی متقابل فلسفه، زبان، هنر و علم را دنبال می‌کند. شناخت جدید

آگاهی فردی؛ و متفکران بزرگ آن دوره، از داوینچی و گالیله تا پیکو دلا میراندولا و جوردانو برونو را به دقت بررسی می‌کند. «فرد و کیهان در فلسفه رنسانس» اهمیت فیلسوف قرن پانزدهم، نیکلاس کوسانوس، مفاهیم آزادی و ضرورت، و موضوع-ابژه در اندیشه رنسانس را مورد بحث قرار می‌دهد. کاسیرر در این کتاب به بررسی وابستگی متقابل فلسفه، زبان،



را به پلتفرم‌های استریمینگ می‌دهد، و همین، ما را وارد دنیای متفاوتی کرده است. فیلم‌ها دیگر آن تأثیری را که قبلاً بر مردم داشتند، ندارند. اما از طرف دیگر، بی‌انصافی است اگر بدون تأمل این موضوع را تعمیم دهیم. نوعی سینمای مؤلف وجود دارد، شاید در مقیاسی بسیار کوچک‌تر اما هنوز هم کاملاً زنده است. در هر صورت، در این موضوع هم مثل بحث میراث، قضیه این‌طور است: چون من قدرت تغییر دادن چیزی را ندارم، ترجیح می‌دهم زیاد به آن فکر نکنم. من فقط می‌توانم کاری را انجام بدهم که انجام می‌دهم.

### آیا در برابر بدبینی مقاومت می‌کنید؟

بله، من کاملاً بدبین نیستم. تا حدی هستم، اما نه به‌طور کامل. هنوز هم آدم‌های بسیار جالبی برای همکاری پیدا می‌کنم و چیزهای جالبی برای انجام دادن وجود دارد. من کمی شکیبه ناخداهای پیرم که آماده‌اند با کشتی‌شان غرق شوند. اما بعد چیزهایی می‌بینی که با هوش مصنوعی ساخته شده و باورشان سخت است. همین امروز تصویری از من نشان دادند که من را پیرتر از چیزی که هستم، نشان می‌داد و فوق‌العاده بود. انگار قرار بود همان لحظه بمیرم... همه چیز بیش از حد سنگین و طاقت‌فرسا شده، و در حال حاضر فکر کردن به آینده تقریباً غیرممکن است. حتی همین حالا هم درک اینکه مردم در زمان حال چطور چیزها را می‌بینند، دشوار است. میراث من؟ هر بار که فیلمی می‌بینم، به این فکر می‌کنم: همه اینها الان مرده‌اند.

در فیلم «شمارنده کارت»، شما مردی را بازی می‌کنید که شیفته قدرت است؛ شخصیتی یادآور الگوهای قدیمی و بسیار سمی از گذشته، الگوهایی که با وجود همه چیز، به‌نظر می‌رسد هنوز در سیاست بین‌الملل حضور دارند. چقدر باید منتظر بمانیم تا شاهد ناپدید شدن این افراد باشیم؟

پاسخ دادن به این سوال برایم سخت است. زمان می‌گذرد و آنها هنوز هستند. در دفاع از شخصیت خودم باید بگویم که فیلم در دهه ۱۹۷۰ می‌گذرد. ایده «مرد خودساخته» در آن زمان معنا داشت. این ایده مردی بود که با شجاعت، تخیل و جسارت یک امپراتوری می‌سازد. اما این چیزی نیست که در مورد مردانی که امروز ممکن است در ذهن داشته باشیم، صادق باشد. در مورد ترامپ، مثلاً، تصویر «مرد خودساخته» جواب نمی‌دهد. او دقیقاً برعکس آن است. چیزی که امروز می‌بینیم، گروهی از تاجران به‌هم‌پیوسته است که اهداف و شیوه‌های تجاری مشترکی دارند تا بقیه مردم را تحت فشار قرار دهند. این همان

## بیست و یک

### بهنام بهزادی و بازخوانی ژانر جنایی و معمایی

دوشنبه‌شب (دیروز) اولین قسمت از سریال «بیست و یک» برای علاقه‌مندان روی پلتفرم فیلم‌نت قرار گرفت. سریالی در ژانر جنایی و معمایی با بازی سعید آفاخانی که بهنام بهزادی، کارگردانی آن را برعهده دارد. بهزادی (متولد ۱۳۵۱) فیلمنامه‌نویس، کارگردان و تهیه‌کننده‌ای است که اواسط دهه هشتاد و بعد از یک دوره ۵-۶ ساله ساخت فیلم‌های مستند، با فیلم «تنها دو بار زندگی می‌کنیم» نام خودش را به‌عنوان یک کارگردان مستقل اما نسبتاً کم‌کار مطرح کرد. با وجود موفقیت‌های فیلم اولش در جشنواره‌های خارجی، فیلم دومش «قاعده تصادف»، سمیرغ بلورین بهترین کارگردانی را در بخش بین‌المللی جشنواره فیلم فجر به‌دست آورد. بهزادی سپس فیلم «وارونگی» را در سال ۱۳۹۴ ساخت که در بخش نوعی نگاه جشنواره فیلم کن نامزد شد و جایزه جشنواره «مد» ایتالیا را گرفت. آخرین فیلم بهنام بهزادی که «امن می‌ترسم» نام داشت، بعد از اکران در جشنواره سی‌وهشتم فجر، به‌خاطر شیوع کرونا با مشکل اکران مواجه شد. با این‌وجود، بهزادی که در طول فعالیت سینمایی‌اش نشان داد کارگردانی تجربه‌گراست، حالا با یک تجربه جدید هم در ژانری تازه و پلتفرم متفاوت به شبکه نمایش خانگی آمده است. سریال «بیست و یک» که پخش آن تازه شروع شده، یک سریال پلیسی و معمایی درباره یک پرونده پلیسی مرموز و پیچیده است. به بهانه پخش اولین قسمت از این سریال که کار فیلمبرداری‌اش در زمان جنگ دوازده روزه انجام شد، بهنام بهزادی در گفت‌وگو با سازندگی گفت: «درواقع من همیشه، در پس‌دهنم بود که اگر فرصتی شد و کار خوبی پیش آمد، سریال بسازم».

#### چرا بیست و یک ساخته شد؟

سال گذشته در یک زمانی که خیلی امکان کار سینمایی نبود، این سریال پیشنهاد شد، فکر کردم فرصت خوبی برای من است که ساخت فیلم‌های مستقل را متفاوت و به شکل سریال تجربه کنم.

#### دنیای متفاوت

این سریال به‌طور کلی دنیای متفاوتی دارد؛ «بیست و یک» در واقع یک سریال معمایی و جنایی است که تلاش کردم در فرم و ساختار با بقیه کارها متفاوت باشد. سعی داشتم که با الگوی سریال‌سازی و آنچه به شکل عمومی وجود دارد، تجربه تازه‌ای باشم. چیزی که برای خودم این کار را نسبت به دیگر کارها متفاوت می‌کرد، این بود که تا حدودی روایت داستانی، شکل هالیوودی‌تری داشت.

#### انتخاب نقش اول

سعید آفاخانی، نقش اول این سریال را بازی می‌کند. کاراکتر اصلی ویژگی‌هایی دارد که تصویری را که تا امروز در مورد مأمور پلیس و کارآگاه داریم، به‌کلی تغییر می‌دهد، به شکلی که شاید در آثار سینمایی و تلویزیونی ایرانی تا این زمان ندیده‌ایم. کاراکتر اصلی این سریال که سعید آفاخانی آن را بازی کرده، با کلیشه‌های رایج که کارآگاه پلیس حتماً باید ایده‌آل و موجه باشد، فرق دارد. چنین شخصیتی نیاز به بازیگری داشت که توانایی اجرایش را داشته باشد.

#### محدودیت‌های ژانر پلیسی در ایران

به‌نظر من این یک تلقی عجیب است که وقتی کار پلیسی ساخته می‌شود، حتماً باید ناظرانی از اداره پلیس سرصحنه حضور داشته باشند که همه‌چیز را کنترل کنند. مثل این است که در یک فیلم که داستانش در بیمارستان می‌گذرد، سازمان نظام‌پزشکی بگوید حتماً باید نماینده‌ای سرصحنه داشته باشد و از سازندگان چیزهایی را بخواهد که حتی در سیستم پزشکی کشور نیست. برای اینکه تصویری ایده‌آل و غیرواقعی از پزشک و ساختار پزشکی ساخته شود! من نمی‌دانم این قانون از کجا آمده و براساس کدام قانون مثلاً اداره پلیس جزئیات بی‌مورد و بسیار زیادی را به آثار تحمیل کند که در عالم واقع وجود ندارد. موضوعی که باعث می‌شود بین واقعیت موجود و مردم فاصله بیفتد. درام و درام‌پردازی مختصات خودش را دارد و هیچ الزامی وجود ندارد که در آن همه اصطلاحات و یا رفتار سازمانی مو به مو استفاده شود. در این سریال اما توانستیم با دوستان به تعاملی برسیم. این تعامل به ما اجازه داد که فضا و صحنه‌ای را بسازیم که شبیه هیچ اداره پلیسی نیست و در واقع یک شکل بسیار شیک و فرد اعلی از اداره پلیس است. من معتقدم به‌جای اینکه فکر کنیم پلیس چه هست؟ و یا ایده‌آلش چیست؟ باید دنبال این باشیم که تا کجا می‌تواند حرکت کند و پیش برود.

#### روایت هالیوودی

به‌خاطر علاقه به یک الگوی خاص روایت، همواره به سمت نوع روایت‌های به‌اصطلاح هالیوودی حرکت می‌کنم. مخاطبان این کار باید در انتظار یک سریال باشند که ترکیبی است از ذوق شخصی خود و مختصات کار جنایی و معمایی که شاید این بتواند جذابیت لازم را برای بینندگان داشته باشد. سریال «بیست و یک» در یک فصل ساخته شده و قرار نیست یک مجموعه چندفصلی باشد.



#### زیست فلسفی مستقل

او را بسیار دوست می‌داشتیم، هرچند من بیشتر به هانس رایشنباخ گرایش داشتم. ترجمه‌های یدالله از آثاری چون «فلسفه روشنگری»، «اسطوره دولت» و «فلسفه صورت‌های سمبلیک»، همراه با نوشته‌ها و گفت‌وگوهایش در معرفی کاسیرر، در چپ‌های تازه در فضای فکری ایران گشود. در چپ‌های به سوی فهم نسبت انسان با زبان، اسطوره و علم. موقن، با وسواس و دقتی مثال‌زدنی در ترجمه و با آگاهی ژرف از فلسفه علم و سنت کانتی، کوشید نشان دهد که چگونه صورت‌های نمادین، از زبان و اسطوره تا علم و هنر، جهان انسانی را می‌سازند و چگونه می‌توان به‌جای پناه بردن به ابهام عرفانی و شهوهای بی‌ضابطه، بر بنیاد عقلانیت نقد و گفت‌وگو با سنت روشنگری، به فهم جهان دست یافت. از میان همین ترجمه‌ها و نیز نوشته‌ها و مصاحبه‌های یدالله، چهره فلسفه‌پژوه موقری پدیدار شد که با صراحت و شجاعت فکری، با هرگونه خردستیزی و خرافه‌پروری می‌ستیزید، فلسفه‌پژوهی که سیاست و قدرت و ایدئولوژی را در پیوند با اسطوره و زبان و نماد تحلیل می‌کرد و کوشید به نسل خود و نسل‌های پس از خود پیامی که تفکر فلسفی نه آذین حاشیه‌ای زندگی بلکه خود شیوه زیستن است.»

موسی اکرمی، استاد و پژوهشگر فلسفه تحلیلی که از دوستان قدیمی موقن است در یادداشتی با اشاره به رفاقت پنج دهه‌ای‌شان می‌نویسد: «هفته سوم مهرماه ۱۳۵۱ بود. در کلاس درس جامعه‌شناسی دکتر حشمت‌الله طیبی با هم آشنا شدیم و دریافتیم که در رشته فیزیک هم کلاس هستیم، رشته‌ای که از سه جلسه حضور هفته نخست در کلاس‌هایش ادامه حضور در آن‌ها را اطلاق وقت دانستیم! من و یدالله کت‌وشلوار شیک پوشیده و کراوات زده بودیم. پس از گفت‌وگوی آغازین معلوم شد او پنج سال از من بزرگ‌تر است... شگفت‌انگیز بود که هر دوی ما با عشقی ژرف به فلسفه، رشته فیزیک را برای تحصیل دانشگاهی برگزیده بودیم.» او در ادامه درباره ترجمه‌های موقن نوشته: «یدالله در مقطع انقلاب ۱۳۵۷ به ایران بازگشت... او، به دلایل گوناگون، نتوانست در محیط آموزشی رسمی جایگاهی به‌دست آورد، ولی همان‌جا بود که یکی از چهره‌های شاخص و کمیاب «زیست فلسفی مستقل» در ایران معاصر از او شکل گرفت. پس از چند سال گوشه‌نشینی در کتابخانه خود، روی به ترجمه آثار ارنست کاسیرر، فیلسوف نوانگلی بزرگ، آورد؛ فیلسوفی که از همان زمان دانشجویی، هر دو

هنر و علم به همراه متفکران بزرگ آن دوره - از لئوناردو و گالیله تا پیکو دلا میراندولا و جووردانو برونو - می‌پردازد. آخرین اثر کاسیرر «اسطوره دولت» (۱۹۴۶)، پس از مرگ او منتشر شد. این کتاب از تلاشی است برای درک خاستگاه فکری آلمان نازی است. کاسیرر آلمان نازی را جامعه‌ای می‌داند که در آن قدرت خطرناک اسطوره توسط نیروهای برتر کنترل یا تسخیر نمی‌شود، بلکه از آن بهره‌گیری می‌شود. این کتاب در مورد تقابل لوگوس (خرد) و میتوس (اسطوره) در اندیشه یونانی، جمهوری افلاطون، نظریه قرون وسطایی دولت، اندیشه ماکیاوولی، نوشته‌های توماس کارلایل درباره پرستش قهرمان، نظریه‌های نژادی آرتور دو گوبینو و هگل بحث می‌کند. کاسیرر مدعی می‌شود که در سیاست قرن بیستم، با رضایت منفعلانه مارتین هایدگر، بازگشتی به غیرعقلانی بودن اسطوره و به‌ویژه به این باور وجود دارد که چیزی به‌نام «سرنوشت» وجود دارد. در مورد این رضایت منفعلانه، کاسیرر می‌گوید هایدگر با خروج از اعتقاد هوسرل به یک مبنای عینی و منطقی برای فلسفه، توانایی فلسفه را برای مخالفت با باززایی زندگی اسطوره در سیاست آلمان در دهه ۱۹۳۰ کاهش داد.

بازیگران ممکن است وسوسه شوند درباره چیزهایی حرف بزنند که مردم نمی‌خواهند از آنها بشنوند. واقعیت این است که من هم متوجه می‌شوم که همه ما، به شکلی، به‌دنبال توضیح و پاسخ هستیم... ما به‌دنبال یک تجربه واقعی هستیم، و این واقعیت از طریق هر چیزی که یک تجربه جمعی را ممکن کند، به‌دست می‌آید. در دنیایی که همه‌چیز مجازی شده، هنر واقعی باید ما را دوباره به واقعیت وصل کند، باید همدلی، ارتباط و حس هدف مشترک را تقویت کند... مهم است فضایی آزاد ایجاد شود تا بتوانیم به شیوه‌های دیگری برای نگاه کردن به جهان فکر کنیم.

شما بیشتر سال را درم زندگی می‌کنید، و می‌بینیم که در دوره جدید جشنواره‌ای مثل کن، تقریباً فیلم آمریکایی کمی وجود دارد. آیا ما هم در حال تجربه پایان یک چرخه دیگر هستیم؟

احتمالاً. اما چیزی که واضح‌تر است، این است که استودیوهای بزرگ از جشنواره کن می‌ترسند. اگر ببینند فیلمی بوی هنر می‌دهد، یا احتمال بردن جایزه دارد، ترجیح می‌دهند آن را در پاییز اکران کنند. سودآوری موفقیت در کن سخت است. آن را برای فصل جوایز نگه می‌دارند.

کاری است که ثروتمندان افراطی حامی ترامپ، انجام می‌دهند. انگار ملت‌ها ناپدید شده‌اند و فقط ابرشرکت‌ها اهمیت دارند. به‌طور منطقی، انتظار می‌رود که آنها از قدرت و امتیازشان برای کار خیر استفاده کنند، به دیگران کمک کنند، و در برابر ترامپ بایستند؛ اما آنها فقط یک هدف دارند: ثروتمندتر شدن. نکته عجیب این است که با وجود همه اینها، مردم متوجه نمی‌شوند که این افراد دشمنان آنها هستند. باید به سراغشان رفت، نه اینکه تحسین‌شان کرد. احتمالاً به این دلیل است که ما معمولاً کسانی را تحسین می‌کنیم که از ما بیشتر دارند. نمی‌دانم... واقعاً نمی‌دانم توانستم درست جواب بدهم یا نه.

می‌دانم که شما نسبت به جهت‌گیری اتفاقاتی که در ایران و در جهان می‌افتد، نگران هستید... فرض بر این است که هنر باید به ما کمک کند، چیزها را بفهمیم و به جلو حرکت کنیم، اما به‌نظر می‌رسد همیشه در همان نقطه گیر کرده‌ایم. آیا دل‌سرد شده‌اید؟

نمی‌گویم در همان وضعیت قبلی هستیم. بیشتر شبیه یک چرخه است که ما را دوباره و دوباره به همان اشتباهات می‌اندازد. حقیقت این است که من نمی‌توانم چیزی هوشمندانه برای گفتن پیدا کنم. و واقعاً هم با صحبت کردن درباره سیاست راحت نیستم، چون





سال نهم شماره ۲۲۱۱  
سه‌شنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۵

**دیدگاه: یادداشت اقتصادی**

## به دنبال کیک بیشتر!

**با گروه‌های فشار چه باید کرد؟**

**فریده اسکندری**

تحلیلگر اقتصاد

چانه‌زنی برای دریافت بودجه بیشتر یکی از طبیعی‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین رفتارهای کنشگران درون یک نظام حکمرانی است. در هر دولتی، منابع محدود و تقاضا برای این منابع نامحدود است. به همین دلیل گروه‌های مختلف از وزارتخانه‌ها و نهادهای عمومی گرفته تا اصناف، دانشگاه‌ها و حتی مناطق جغرافیایی در تلاش هستند، سهم بیشتری از کیک بودجه را به‌خود اختصاص دهند. این فرآیند نه صرفاً یک بحث فنی بلکه عمیقاً سیاسی است و به توازن قدرت، دسترسی به تصمیم‌گیران و توانایی بسیج افکار عمومی بستگی دارد.

هر گروه ذی‌نفع تلاش می‌کند با ارائه استدلال‌هایی درباره اهمیت فعالیت خود، ضرورت افزایش بودجه‌اش را نشان دهد. برای مثال، یک نهاد آموزشی ممکن است بر نقش خود در توسعه سرمایه انسانی تأکید کند، درحالی که یک نهاد زیرساختی به اثرات سرمایه‌گذاری بر رشد اقتصادی اشاره می‌کند. اما این استدلال‌ها به‌تهایی تعیین‌کننده نیستند. آنچه اهمیت بیشتری دارد، قدرت چانه‌زنی است؛ یعنی توانایی یک گروه برای تحمیل هزینه به تصمیم‌گیران در صورت نادیده گرفته شدن مطالباتش یا ایجاد منفعت سیاسی در صورت تأمین آن مطالبات. قدرت چانه‌زنی از چند منبع ناشی می‌شود. نخست، اندازه و انسجام گروه است. گروه‌های بزرگ‌تر یا منسج‌تر مثل تشکلهای حرفه‌ای یا اتحادیه‌ها می‌توانند، فشار بیشتری وارد کنند. دوم، میزان دسترسی به رسانه‌ها و افکار عمومی است. اگر یک گروه بتواند روایت خود را در فضای عمومی غالب کند، هزینه سیاسی نادیده گرفتنش برای دولت افزایش می‌یابد. سوم، نزدیکی به مراکز قدرت و شبکه‌های تصمیم‌گیری است؛ گروه‌هایی که به‌طور مستقیم با غیرمستقیم به نهادهای تصمیم‌گیر دسترسی دارند معمولاً موفق‌تر عمل می‌کنند. در این میان یک مفهوم کلیدی در اقتصاد سیاسی «مسئله اقدام جمعی» است. بسیاری از گروه‌هایی که از یک سیاست منتفع یا متضرر می‌شوند به دلیل پراکندگی یا نبود هماهنگی قادر به سازمان‌دهی مؤثر نیستند. در مقابل، گروه‌های کوچک‌تر اما منسجم‌تر می‌توانند با هزینه کمتر، نفوذ بیشتری بر سیاستگذاری داشته باشند. به همین دلیل، گاهی شاهد آن هستیم که منابع عمومی به‌نفع گروه‌هایی تخصیص می‌یابد که لزوماً بیشترین اولویت اجتماعی را ندارند بلکه بیشترین توان چانه‌زنی را دارند.

چانه‌زنی بودجه‌ای همچنین با مسئله محدودیت‌های مالی دولت گره خورده است. در شرایطی که دولت با کسری بودجه مواجه است، تخصیص منابع به یک بخش به‌معنای محروم شدن بخش دیگر یا افزایش بدهی و تورم است. در چنین وضعیتی، رقابت میان گروه‌ها شدیدتر می‌شود و هر گروه تلاش می‌کند خود را به‌عنوان ضروری‌تر معرفی کند. این رقابت می‌تواند به شکل‌گیری نوعی بازی مجموع صفر منجر شود که در آن افزایش سهم یک گروه مستقیماً به زیان دیگران تمام می‌شود.

از سوی دیگر، سیاستمداران نیز در این فرآیند بی‌طرف نیستند. آنها معمولاً به‌دنبال حداکثر کردن حمایت سیاسی خود هستند بنابراین ممکن است به گروه‌هایی امتیاز دهند که رأی‌آورترند یا توان ایجاد ناراضیاتی گسترده‌تری دارند. این امر می‌تواند به تخصیص غیربهبته منابع منجر شود زیرا معیار تصمیم‌گیری از کارایی اقتصادی به ملاحظات سیاسی تغییر می‌کند. در نتیجه حتی اگر یک سیاست از نظر اقتصادی نامطلوب باشد، ممکن است به دلیل فشارهای سیاسی اجرا شود. در عین حال چانه‌زنی لزوماً پدیده‌ای منفی نیست. در یک نظام باز و رقابتی این فرآیند می‌تواند به بیان مطالبات مختلف و ایجاد نوعی توازن منجر شود. مشکل زمانی بروز می‌کند که این چانه‌زنی‌ها فاقد شفافیت باشند یا برخی گروه‌ها به‌طور نامتناسبی به منابع قدرت دسترسی داشته باشند. در چنین شرایطی، خطر «تسخیر دولت» توسط گروه‌های خاص افزایش می‌یابد؛ یعنی وضعیتی که در آن، سیاست‌های عمومی بیش از آنکه در خدمت منافع عمومی باشند، در جهت منافع گروه‌های خاص شکل می‌گیرند. در نهایت کیفیت نهادهای حکمرانی، نقش تعیین‌کننده‌ای در هدایت این چانه‌زنی‌ها دارد.

وجود قواعد شفاف بودجه‌ریزی، نظارت مؤثر و پاسخگویی می‌تواند از انحراف منابع جلوگیری کند و اطمینان دهد که تخصیص بودجه تا حد ممکن بر اساس اولویت‌های واقعی جامعه انجام می‌شود. در غیاب چنین نهادهایی، چانه‌زنی بودجه‌ای به رقابتی فرسایشی تبدیل می‌شود که در آن، برنده لزوماً کسی نیست که حق بیشتری دارد بلکه کسی است که قدرت بیشتری دارد. بهترین برخورد سیاستمداران در این مواقع، ترکیبی از گوش دادن و ایستادن بر اصول است. یعنی مطالبات را به رسمیت بشناسد و با آنها وارد گفت‌وگو مستقیم و شفاف شود اما هم‌زمان بر محدودیت‌های بودجه‌ای و ضرورت کنترل تورم عقب‌نشینی نکند. رادحل عملی، ارائه یک مسیر میانه است نه تن دادن به فشارها.

# توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

# چانه‌زنی در شرایط جنگی

**چرا اساتید دانشگاه خواستار برکناری رئیس سازمان برنامه‌بودجه شدند؟**

**جمشید پیش‌قدم**

گروه اقتصاد

سیاستگذاران اقتصادی روزهای سختی را سپری می‌کنند و تحت‌فشار شدید جنگ و شوک‌های اقتصادی هستند اما مخالفان هم بیکار ننشسته‌اند و علیه آنها کارزار راه می‌اندازند. اخیراً تعداد زیادی از اساتید دانشگاه‌های کشور با انتشار نامه‌ای سرگشاده خطاب به رئیس‌جمهور، خواستار عزل حمید پورمحمدی از ریاست سازمان برنامه‌بودجه شده‌اند.

این نامه در شرایطی در وب‌سایت «کارزار» منتشر شده که سازمان برنامه‌بودجه با افزایش ۷۵ درصدی حقوق اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها مخالفت کرده است. همچنین گفته می‌شود در واکنش به این موضوع، تعدادی از معاونان این سازمان استعفا داده‌اند. سازمان برنامه‌بودجه معتقد است افزایش حقوق اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و قضات، در شرایطی که دولت با کسری قابل‌توجهی مواجه است، می‌تواند بین سه تا چهار هزار میلیارد تومان بار مالی جدید ایجاد کند. از سوی دیگر، در ماه‌های اخیر و به‌دلیل افزایش ریسک‌های سیاسی و بین‌المللی، نرخ تورم رشد چشمگیری داشته است. به‌گونه‌ای که در حال حاضر، دو استان محروم با تورمی بالای ۹۰ درصد مواجهند و در پنج تا شش استان محروم دیگر نیز تورم از ۸۰ درصد فراتر رفته است. این روند به آن مناسست که سطح عمومی قیمت‌ها تقریباً ۸ تا ۹ ماه یک‌بار دو برابر می‌شود. اقتصاددانان هشدار می‌دهند که ترکیب بیکاری گسترده و تورم فرآیندهی می‌تواند تا ماه‌های خرداد و تیر به بروز شوک‌های اقتصادی مخرب منجر شود. شوک‌هایی که مهار و مدیریت آنها بسیار دشوار خواهد بود.

**استدلال اساتید**

بر اساس متن منتشرشده در پلتفرم کارزار، درخواست‌کنندگان عزل حمید پورمحمدی با اشاره به شرایط اقتصادی کشور، نگرانی خود را از دشواری معیشت و تأمین هزینه‌های اساتید اعلام کرده‌اند. امضاکنندگان نامه معتقدند هر روزبهترین دانشجویان و جوان‌ترین اعضای هیأت علمی ما، ایران را به مقصد دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی خارجی ترک می‌کنند و آنان که می‌مانند زیر بار سنگین معیشت، تورم افسارگسیخته و حجم عظیم کار اداری و آموزشی، فرسوده و دلسرد شده‌اند. انگیزه پژوهش و نوآوری، که موتور پیشرفت است، در حال خاموشی است. وقتی استادی مجبور است برای تأمین هزینه‌های اولیه زندگی، انرژی فکری خود را پراکنده کند، چگونه می‌تواند در مرزهای دانش بیندیشد؟ به عقیده امضاکنندگان نامه، نظام پرداخت و ارج‌گذاری کنونی، تفاوت ماهوی بین شغل کارمندی و مأموریت هیأت علمی را نادیده می‌گیرد. هیأت علمی در یک بازار کار بین‌المللی رقابت می‌کند. توانایی هایش کالایی جهانی است.

**دیدگاه: تحلیل اقتصادی**

## رویای بازارها

**اگر توافق شود، اقتصاد چه شرایطی پیدا می‌کند؟**

**نسرین خدادادی**

گروه اقتصاد

سهول مهم این روزها این است که اقتصاد پس از توافق در چه شرایطی قرار می‌گیرد و اینکه چه اتفاقی ممکن است در بازارها رخ دهد؟ اقتصاددانان می‌گویند در صورت دستیابی به توافق و رفع تحریم‌ها، فضای عمومی اقتصاد به‌سرعت از حالت نااطمینانی و انتظار به سمت ثبات نسبی و پیش‌بینی‌پذیری حرکت می‌کند. بدیهی است که توافق و رفع تحریم‌ها می‌تواند، اقتصاد را از وضعیت تدافعی و پرریسک به سمت ثبات، شفافیت و رشد تدریجی سوق دهد. با این حال میزان بهره‌برداری از این فرصت به کیفیت سیاستگذاری داخلی بستگی دارد؛ اگر اصلاحات ساختاری در بودجه، نظام بانکی و فضای کسب‌وکار هم‌زمان انجام نشود، اثرات مثبت توافق می‌تواند کوتاه‌مدت و محدود باقی بماند. مهم‌ترین تغییر، کاهش ریسک‌های سیاسی و بین‌المللی است که در سال‌های اخیر یکی از عوامل اصلی

بی‌توجهی به این واقعیت، یعنی نادیده گرفتن قوانین ابتدایی عرضه و تقاضا در عرصه علم جهانی.

اساتید امضاکننده همچنین معتقدند که بی‌توجهی به وضعیت مالی آنها به نوعی تهدید امنیت ملی در پوشش بی‌توجهی به دانشگاه است. چراکه تضعیف معیشت و انگیزه آنان، مستقیم‌ترین ضربه را به عمق دفاعی-امنیتی و اقتدار فناورانه کشور وارد می‌کند.

امضاکنندگان معتقدند، دانشجوی امروز زیر دست استاد دلسرد و فرسوده هرگز آن شور علمی، عمق فکری و مهارت ابداع را نمی‌آموزد که برای مدیریت چالش‌های پیچیده فردای ایران لازم است. ما در حال تربیت نسلی هستیم که ممکن است مدرک داشته باشد اما از قدرت تحلیل، نوآوری و حل مسأله بی‌بهره باشد. این بزرگ‌ترین خیانت به آینده کشور است.

در نامه سرگشاده اساتید خطاب به مسعود پزشکیان آمده است بحران کنونی تصادفی نیست. ریشه بخش عمده‌ای از این فروپاشی تدریجی را باید در نگرش و عملکرد برخی مدیران ارشد متولی تخصیص منابع به علم و آموزش عالی جست‌وجو کرد. امضاکنندگان خواستار بررسی فوری و عزل بدون درنگ مدیرانی شده‌اند که با نگاه غیرتخصصی، تقابلی و خصمانه در رأس سازمان‌های متولی منابع علم و آموزش عالی به‌ویژه سازمان برنامه و بودجه کشور قرار گرفته‌اند و با سیاست‌های خود به تخریب نظام انگیزشی و فرسایش سرمایه انسانی علمی کشور دامن زده‌اند.

**حق با کیست؟**

چنانکه از فحوای ایسن نامه برمی‌آید، اساتید معترض خواستار توجه بیشتر دولت به دانشگاه‌ها شده‌اند. با این حال از آنجا که محور اصلی نامه درخواست عزل رئیس سازمان برنامه و بودجه است، اینگونه برداشت می‌شود که ناراضیاتی آنان بیش از هر چیز به تخصیص نیاقتن منابع مالی بیشتر بازمی‌گردد. بیش از سه هزار نفر از اساتید این نامه را امضا کرده‌اند و به‌نظر می‌رسد، تعداد امضاها همچنان در حال افزایش باشد.

شروع‌کننده این کارزار مهدی سجودی، دانشیار دانشکده مهندسی برق و کامپیوتر از دانشگاه تربیت مدرس است. او در زمینه استارت‌آپ فعالیت می‌کند و در تشکل‌های مرتبط با اقتصاد دیجیتال هم عضویت دارد.

این یک واقعیت است که در شرایط فعلی، حقوق اساتید دانشگاه‌ها و قضات دادگستری متناسب با جایگاه و منزلت آنها نیست و وقتی تورم به سطوح بسیار بالا می‌رسد و قدرت خرید به‌سرعت کاهش پیدا می‌کند به‌ویژه برای گروه‌هایی مانند اعضای هیأت علمی که نقش کلیدی در تولید دانش دارند، فشار معیشتی می‌تواند به افت کیفیت آموزش، مهاجرت نخبگان و تضعیف سرمایه انسانی منجر شود. از این زاویه، ترمیم واقعی حقوق‌ها قابل دفاع است.

اما اگر بخواهیم بر اساس منطق اقتصادی قضاوت کنیم، مسئله اصلی اولویت‌بندی در شرایط بحران است. مدیران سازمان برنامه و اقتصاددانانی که نسبت به ترکیب تورم بالا و بیکاری هشدار می‌دهند، درست می‌گویند و هشدار آنها درباره موج‌های تورمی پیش‌رو مبتنی بر واقعیت است. استدلال سازمان برنامه و بودجه هم از نظر مالی و پایداری اقتصاد کلان منطقی است. وقتی دولت با کسری بودجه جدی مواجه است هر گونه افزایش هزینه بدون منبع پایدار عملاً به معنای افزایش پایه پولی یا بدهی است که خود می‌تواند، تورم را تشدید کند. در چنین شرایطی افزایش ۷۵ درصدی حقوق اعضای هیأت علمی و قضات دادگستری می‌تواند به بدتر شدن همان مشکلی بینجامد که اساتید در نامه خود نسبت به آن اعتراض دارند. با این تفاوت که غول تورم، تنها گریبان اساتید را نمی‌گیرد و کل جامعه ایران را درگیر می‌کند. بنابراین مسئله اصلی در حال حاضر این نیست که حق با چه کسی است بلکه این است که کدام سیاست در کوتاه‌مدت آسیب کمتری می‌زند و در بلندمدت پایدارتر است. در شرایط فعلی به نظر می‌رسد موضع سازمان برنامه از نظر ثبات اقتصاد کلان دست بالا را دارد اما این به معنای نادیده گرفتن مسئله معیشت اساتید دانشگاه و قضات نیست. راه‌حل منطقی احتمالاً در یک مسیر میانه است. افزایش حقوق اما نه به شکل جهشی و بدون پشتوانه بلکه به‌صورت تدریجی، هدفمند و همراه با اصلاحات بودجه‌ای. در غیر این صورت، هم ناراضیاتی معیشتی تشدید می‌شود و هم تورم و در نهایت هیچ‌کدام از دو هدف تأمین نخواهد شد.

بدون تردید، مسعود پزشکیان به سه تصمیم‌گیر اصلی اقتصادی خود اعتماد دارد. عبدالناصر همتی، حمید پورمحمدی و سیدعلی مدنی‌زاده در دشوارترین شرایط ممکن، مسئولیت‌های سنگینی را بر عهده گرفته‌اند و همان‌قدر که باید مراقب فرماندهان نظامی خود در شرایط جنگ باشیم باید از تصمیم‌گیران اقتصادی هم در این شرایط محافظت کنیم. به همین دلیل در چنین وضعیت حساسی انتظار می‌رود، رئیس‌جمهور تحت‌تأثیر فشار گروه‌هایی که مطالبات بخشی و محدود دارند، قرار نگیرد. چانه‌زنی در این مقطع باید در راستای بهبود وضعیت کل جامعه باشد نه صرفاً تأمین منافع یک قشر خاص. در شرایطی که کشور با تهدیدهای جدی از جمله احتمال درگیری و نیز چشم‌انداز تورم و بیکاری بالا مواجه است، طرح درخواست‌هایی از این دست محل تأمل است؛ اینکه صرفاً به دلیل اختلاف بر سر تخصیص منابع بودجه‌ای خواستار عزل بالاترین مقام سیاستگذاری مالی کشور شوند. در این میان نام آقای مهدی سجودی نیز مطرح شده است. عملکرد و مواضع او در این زمینه قابل رصد خواهد بود تا روشن شود این درخواست‌ها بر چه مبنا و با چه اولویت‌هایی، به‌ویژه در شرایط حساس کنونی، مطرح شده‌اند.

دیگر کاهش ریسک‌های سیستماتیک، بهبود چشم‌انداز تعاملات بین‌المللی و احتمال ورود سرمایه خارجی می‌تواند به تقویت کلی بازار سهام کمک کند. در میان‌مدت، شرکت‌هایی که از گشایش‌های اقتصادی، واردات تکنولوژی و دسترسی به بازارهای جدید منتفع می‌شوند، موقعیت بهتری خواهند داشت. بازار مسکن معمولاً با تأخیر واکنش نشان می‌دهد. در کوتاه‌مدت، با کاهش انتظارات تورمی و افت جذابیت سفته‌بازی، ممکن است از شدت رشد قیمت‌ها کاسته شود یا حتی در برخی مناطق شاهد رکود قیمتی باشیم. اما در صورت بهبود رشد اقتصادی، افزایش سرمایه‌گذاری و بهبود درآمد خانوارها این بازار در میان‌مدت می‌تواند به تعادل برسد و حتی وارد فاز رونق غیرتورمی شود. در بخش واقعی اقتصاد، صنایع وابسته به واردات مواد اولیه و فناوری، مانند خودروسازی، لوازم خانگی و برخی صنایع تولیدی، از رفع محدودیت‌ها بیشترین نفع را خواهند برد. کاهش هزینه‌های مبادله، دسترسی به قطعات و فناوری و امکان همکاری با شرکت‌های خارجی، می‌تواند به افزایش تولید و بهبود کیفیت منجر شود. همچنین بخش نفت و گاز با افزایش صادرات و جذب سرمایه‌گذاری خارجی به یکی از موتورهای اصلی رشد تبدیل خواهد شد.

در مقابل، برخی فعالیت‌هایی که در شرایط تحریم شکل گرفته یا تقویت شده‌اند، ممکن است با افت مواجه شوند. این به‌معنای «ریزش» بخشی از اقتصاد غیرشفاف و رانتی است که در فضای محدودیت رشد کرده بود.



# تغییر نام خیابان‌ها

## مصوبه کمیته نام‌گذاری شورای شهر تهران

**گروه اجتماعی:** در حالی که تنها ۱۲ روز از پایان جنگ ۴۰ روزه و بی‌رحمانه آمریکا و اسرائیل علیه ایران می‌گذرد و کشور در میانه آتش‌بسی دو هفته‌ای نفس تازه می‌کند، کمیته نام‌گذاری شورای شهر در جلسه‌ای به تاریخ ۲۹ فروردین، پیشنهادی را روی میز گذاشته که به سرعت در فضای رسانه‌ای پیچید.

بر اساس این مصوبه، قرار است فردا، اول اردیبهشت‌ماه، تغییر نام ۸ معبر کلیدی پایتخت در صحن علنی شورا مطرح شود. در صدر این لیست، تغییر نام خیابان «آزادی» به «قائد شهید امام خامنه‌ای» دیده می‌شود.

خیابان آزادی یک شریان مواصلاتی است؛ این خیابان به برکت انقلاب ۱۳۵۷ و به نشانه‌های از رژیم ستم‌شاهی به این نام مزین شد و نماد پیروزی اراده ملت است. رهبر شهید، خود از پیشگامان و جان‌فدایان این نهضت بود و در تمام دوران حیات خویش، نگهبانی متعهد برای میراث «آزادی» به‌شمار می‌رفت.

بخش دیگری از این مصوبه که البته با واکنش احمد زیدآبادی نیز روبرو شده، تغییر نام خیابان «سنایی» به «شهید حجت‌الاسلام سیداسماعیل خطیب» است. جایگاه حکیم سنایی غزنی در تاریخ ادب و عرفان ایران تزلزل‌ناپذیر

است. او کسی است که عطار و مولانا خود را خوشه‌چین خرمین او می‌دانستند؛ حکیمی که عرفان را از زهد خشک به شور اجتماعی و قلبی پیوند زد.

### لزوم صیانت از پیشینه معابر

بر اساس مصوبات پیشنهادی، نام‌های دیگری چون میدان نوبنیاد، خیابان سپاه و میدان سبلان نیز در صف تغییر قرار گرفته‌اند تا به نام سرداران و امیران شهید از جمله شهیدان پاکپور، موسوی و نصیرزاده تغییر یابند. نام این سرداران مایه افتخار ایران است.

تغییر نام خیابان‌ها در شهر تهران را می‌توان بخشی از فرآیند طبیعی بازخوانی حافظه‌جمعی و بازتعریف هویت شهری دانست؛ فرآیندی که در بسیاری از پایتخت‌های جهان نیز با هدف پاسداشت رویدادهای مهم تاریخی و شخصیت‌های اثرگذار انجام می‌شود. در این چارچوب تصمیم شورای شهر تهران برای نام‌گذاری برخی از معابر و خیابان‌های قدیمی به نام شهدای جنگ ۴۰ روزه را می‌توان اقدامی در راستای تثبیت روایت رسمی از فداکاری‌ها و تجربه‌های تاریخی کشور تلقی کرد.

شاید بهتر بود که اعضای شورای شهر برای این نام‌گذاری



و به شهروندان امکان می‌دهد در زندگی روزمره خود با نشانه‌های عینی از این تاریخ مواجه شوند.

شهر تهران به‌عنوان پایتخت همواره محل تلاقی روایت‌های مختلف تاریخی و سیاسی بوده است. خیابان‌ها، میدان‌ها و معابر آن، نتایج کارکرد ارتباطی دارند بلکه حامل معنا و حافظه نیز هستند. تغییر نام برخی خیابان‌ها در این چارچوب در واقع بازتنظیم این حافظه‌جمعی و برجسته‌سازی بخش‌هایی از تاریخ است که در نگاه نهادهای رسمی نیازمند یادآوری مستمر هستند.

در مجموع، نام‌گذاری‌های جدید را می‌توان بخشی از سیاست هویتی مدیریت شهری دانست که تلاش دارد میان گذشته، حال و آینده شهر پیوند برقرار کند و روایت‌های رسمی از تاریخ معاصر را در بستر زندگی روزمره شهروندان تثبیت نماید.

### شهر

## افزایش ۲۵ درصدی نرخ بلیت مترو

### از اول اردیبهشت‌ماه اعمال می‌شود

از ابتدای اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۵ نرخ بلیت مترو تهران به‌دنبال مصوبه جدید شورای اسلامی شهر تهران افزایش ۲۵ درصدی خواهد داشت. معاون طرح و برنامه شرکت بهره‌برداری متروی تهران و حومه، علیرضا کاراندیش، با اعلام این تغییرات جزئیات جدید تعرفه‌ها را تشریح کرد.

بر اساس این تغییرات، هزینه ورود به شبکه متروی تهران با استفاده از کارت بلیت‌های اعتباری مبلغ‌دار از ۴۱.۲۵۰ ریال در سال ۱۴۰۴ به ۵۱.۶۰۰ ریال افزایش خواهد یافت. همچنین پس از طی دو کیلومتر او برای هر کیلومتر مسافت اضافی، مبلغ ۳۳۰ ریال به‌صورت خودکار از اعتبار کارت کسر می‌شود تا سقف ۳۰ کیلومتر.

درخصوص قیمت بلیت‌های تک‌سفره، بلیت‌های داخل شهری برای خرید از طریق شتاب ۷۳۰۰۰ ریال و برای خرید نقدی ۱۰۰۰۰۰ ریال تعیین شده است. همچنین بلیت تک‌سفره حومه (خط ۵) برای خرید شتابی ۹۰۰۰۰ ریال و برای خرید نقدی ۱۵۰۰۰۰ ریال خواهد بود. برای ایستگاه‌های دورتر مانند شهید سلیمانی (هشتگرد) و پرند، قیمت بلیت تک‌سفره به ترتیب ۲۰۰۰۰۰ ریال و ۲۵۰۰۰۰ ریال برای خرید نقدی است.

کاراندیش همچنین به سیاست‌های تشویقی اشاره کرد و افزود که برای تشویق شهروندان به استفاده از خدمات غیرحضوری، خریداران بلیت از طریق سامانه «شهرزاد» ۱۰ درصد تخفیف اضافی خواهند داشت.

وی همچنین از افزایش سقف شارژ کارت‌های اقساطی خاص به ۷ میلیون ریال خبر داد که ۴۰ درصد افزایش را نشان می‌دهد. هزینه صدور و پشتیبانی کارت بلیت الکترونیک، چه با نام و چه بی‌نام، به مبلغ ۳۰۰۰۰۰ ریال تعیین شده است.

از روز سه‌شنبه، یکم اردیبهشت، دوره ارائه خدمات رایگان مترو به پایان رسیده و مسافران برای استفاده از شبکه مترو ملزم به تهیه بلیت معتبر خواهند بود. همچنین مسافران باید پیش از مراجعه به گیت‌های ایستگاه، بلیت خود را تهیه کنند تا از معطلی جلوگیری شود.

این تغییرات در راستای مدیریت بهینه منابع و بهبود کیفیت خدمات مترو اعمال شده و مسافران برای بهره‌مندی از تخفیف‌ها و تعرفه‌های جدید باید با دقت از بلیت‌های خود استفاده کنند.

## سقف‌های شیشه‌ای؛ زندگی با ۵ گیگابایت برای جهان

در حالی که رئیس کمیسیون صنایع از اعطای دسترسی به واحدهای تولیدی کوچک و دارندگان کارت بازرگانی سخن می‌گوید، گزارش‌های میدانی از «اقتصادنوز» و پیامک‌های دریافتی برخی از کاربران نشان‌دهنده واقعیت تند و تیزتری است. با اجرای الگوی جدید مدیریت مصرف، سقف‌های روزانه‌ای را برای دسترسی به اینترنت بین‌الملل تعریف می‌شود. مشترکان ایرانسل و همراه اول روزانه تنها ۵ گیگابایت و مشترکان رایتل تنها ۲ گیگابایت سهمیه اینترنت بین‌الملل دارند. این محدودیت‌ها به‌طور ویژه بر پلن‌های پر مخاطبی چون تلگرام، اینستاگرام، واتس‌آپ، یوتیوب و توییتر اعمال شده است. حتی ارسال پیامک ساده نیز از این تیغ سانسور در امان نمانده و سقف ۳۰۰ پیامک در روز برای هر مشترک، بدون اطلاع‌رسانی قبلی، اجرائی شده است. پیامک‌های دریافتی کاربران که با لحنی صلب اعلام می‌کنند «سهمیه روزانه شما برای استفاده از سایت‌های خارجی به سقف مجاز رسیده است»، نمادی از انسداد آزادی‌های ارتباطی است. نکته تلخ اینجاست که کاربر تشویق می‌شود برای ادامه فعالیت از «بسته اینترنت پرو» خود در سایت‌های داخلی استفاده کند؛ سیاستی که به وضوح برای راندن اجباری مردم به سمت پلن‌های بومی مانند رویکا و اپتا طراحی شده است.

### نامحرمان کیستند؟

در شرایطی که ۵۲ روز است، چرخ‌های اقتصاد دیجیتال قفل شده و رسانه‌ها به دلیل عدم دسترسی به منابع جهانی در حال تعدیل نیروهای گسترده هستند، طرح اینترنت پرو یک سوال اخلاقی و استراتژیک بزرگ ایجاد کرده است: در این وضعیت «نامحرم» کیست؟ اگر خبرنگاران برای جست‌وجو در رسانه‌های خارجی با پیامک اتمام سهمیه مواجه می‌شوند و شهروند عادی حتی اجازه ارسال بیش از ۳۰۰ پیامک را ندارد، مشخص است که مفهوم «مردم» در نگاه سیاستگذاران به دو دسته «خودهای دارای مجوز» و «نامحرمان محدود شده» تقسیم شده است. مدل چینی که همواره برای برخی سیاستگذاران جذاب بوده حالا در ایران با نسخه‌ای ناقص در حال اجراست. چینی‌ها شبکه بومی قدرتمندی ساختند که نیاز به جهان خارج را کاهش داد اما در ایران، نسخه‌های داخلی همواره با اختلال مواجه بوده‌اند و حالا قرار است با «اجبار» و «سهمیه‌بندی» جایگزین اینترنت جهانی شوند. اینترنت پرو، نه یک گشایش بلکه یک قفس دیجیتال با پنجره‌ای کوچک است که ابعاد آن را هر روز کوچک‌تر می‌شود. در این فضای آشفته، آنچه قربانی می‌شود اقتصاد کشوری است که در میانه جنگ، ارتباطش با جهان به ۵ گیگابایت در روز تقلیل یافته است.

# خداحافظی با اینترنت آزاد؟

## اینترنت «پرو»؛ مهندسی دسترسی به اینترنت با مجوز شعام



فازنه مومنی

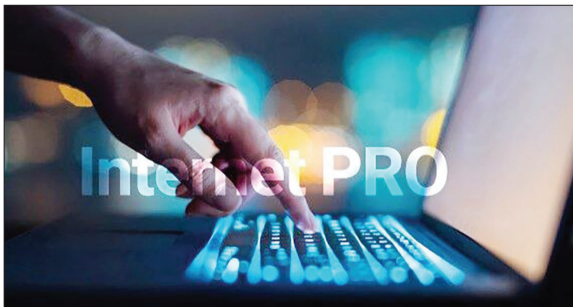
گروه اجتماعی

نطفه آن در قطع سراسری اینترنت سال ۱۳۹۸ بسته شد. در آن زمان، مسئولیت قطع اینترنت میان نهادها پاسکاری می‌شد و افرادی چون محمدجواد آذری جهرمی و امیر ناظمی از شوک وارده به بدنه وزارتخانه سخن می‌گفتند.

اراده‌ای که در سال ۹۸ قصد داشت، جامعه را به قطع اینترنت عادت دهد حالا با استفاده از شرایط جنگی، طرح «گشایش مرحله‌ای» را به کرسی نشاند. این طرح که ردپای رسول جلیلی و شرکت «امن‌افزار گستر شریف» در آن دیده می‌شود بر محدودسازی تدریجی و کنترل مرحله‌ای دسترسی‌ها تأکید دارد. جلیلی سندی را در شهریور ماه سال گذشته پیش برد که هدف آن «دسترسی مشروع و حفظ حاکمیت سایبری» از طریق مسدودسازی پروتکل‌های غیرضروری است.

### مهندسی پروتکل‌ها؛ تیر خلاص به فیلتر شکن‌ها

یکی از کلیدی‌ترین و فنی‌ترین بخش‌های این گزارش نفوذ به لایه‌های زیرساختی طرحی است که «امن‌افزار گستر شریف» آن را مدیریت می‌کند. طبق اسناد منتشر شده این طرح شامل مسدودسازی کامل و دائمی پروتکل‌های UDP و IPV۶ و ICMP به سمت خارج است. هدف از این اقدام، قطع ریشه‌ای هرگونه امکان Tunneling است که عملاً فیلتر شکن‌ها



و VPN‌های مرسوم را به آهن‌پاره‌های دیجیتال تبدیل می‌کند. مدیرعامل این شرکت، محمدمهدی عطفی، که پیشینه مدیریت در رایتل را دارد، به همراه ابودر عرب‌سرخی، رئیس پیشین پژوهشکده امنیت وزارت ارتباطات، تیمی را تشکیل داده‌اند که از سال ۲۰۲۳ به دلیل نقش کلیدی در محدودیت اینترنت در فهرست تحریم‌های اوفک قرار دارند. آنها حالا معماران محدودیت اینترنت شده‌اند.

ایران در حالی پنجاه‌دومین روز قطع سراسری اینترنت را پشت سر می‌گذارد که فضای کسب‌وکار و رسانه‌های کشور در بدترین وضعیت تاریخی خود قرار دارد. پس از آغاز درگیری‌های نظامی آمریکا و اسرائیل علیه ایران در ۹ اسفندماه سال گذشته، ارتباطات بین‌المللی به کما رفت و حالا در میان ویرانه‌های اقتصادی استارت‌آپ‌ها و موج گسترده تعدیل نیرو در خیرگزاری‌ها، واژه‌ای جدید به ادبیات سیاسی-فناوری کشور سنجاق شده است: «اینترنت پرو».

این طرح که از سوی مقامات به‌عنوان راه‌کاری برای پایداری اقتصاد معرفی می‌شود، در واقعیت، رسمی‌سازی نوعی «اینترنت طبقاتی» است که ریشه‌های آن به سال‌ها پیش بازمی‌گردد.

### شعام؛ معمار نظم جدید دسترسی

رضا علیزاده، رئیس کمیسیون صنایع مجلس، با تأیید رسمی مصوبه شورای عالی امنیت ملی (شعام) درباره اینترنت پرو، آب پاکی را روی دست کسانی ریخت که منتظر بازگشت به دوران پیش از اسفندماه ۱۴۰۴ بودند. او در گفتگو با سایت جماران صراحتاً اعلام کرد که هرگونه تصمیم‌گیری درباره وسعت یا محدودیت دسترسی به اینترنت بین‌المللی، تنها در اختیار نهادهای امنیتی و در رأس آنها شعام است. این اظهارات نشان می‌دهد که مدیریت فضای مجازی از فاز سیاستگذاری‌های وزارت ارتباطات به فاز کاملاً امنیتی تغییر پیدا کرده است. به گفته علیزاده، اپراتورهای سه‌گانه موظف به اجرای این طرح هستند تا به‌عزم حاکمیت، تولید، صادرات و واردات در مسیر «خدمت پایدار» قرار بگیرند. اما آنچه در سایه این واژگان مخفی شده، حذف کامل مفهوم «شهروند آزاد» در فضای مجازی و جایگزینی آن با «کاربر احراز هویت شده» است.

### میراث ۹۸ و ظهور «گشایش کنترل‌شده»

آنچه امروز تحت عنوان اینترنت پرو شاهد هستیم، محصول تصادفی جنگ اخیر نیست بلکه تکامل سیاستی است که

